

ضمیمه ششم

حزب جمهوری اسلامی و تشکیلات آن

متن کامل بیانات شهید مظلوم آیت الله دکتر بهشتی اولین دبیرکل حزب جمهوری اسلامی

اشاره

ضمیمه در موضوع حزب و تشکیلات حزب جمهوری اسلامی می باشد که در برگزیده سخنرانیهای شهید مظلوم آیت الله دکتر بهشتی می باشد. برای حفظ امانت در متن سخنرانیها، هیچ گونه دخل و تصرفی صورت نگرفته است و فقط به ویرایش فنی (آن هم در موارد لزوم) بسنده شده است، اما چون برخی از قسمتهای سخنرانیها و یا بعضی از پرسش و پاسخهای حاضرین در انتهای سخنرانیها، از موضوع بحث کاملاً بیگانه بوده اند آنها را حذف نموده که با [...] مشخص شده است.

تشکیلات، امامت، روحانیت

روح تشکیلات اسلامی

بختی که در نظر گرفته شده موضوع تشکیلات است و معلوم است که تشکیلات در کار يك حزب نقش به سزا و بنيادي نیز دارد و همه اعضاي يك حزب بخصوص کادر حزب باید با آگاهی‌های ضروري در زمینه تشکیلات مجهز باشند. تشکیلات هر واحدی از نظر شکل و قالب متناسب با هدف و آرمان و محتوای آن واحد خواهد بود به همین جهت برای اینکه بیشتر با وضع تشکیلاتی حزب آشنا شویم لازم است با هدف تشکیلاتی حزب آشنا شویم. حزب جمهوری اسلامی براساس خاصی بوجود آمده و آنرا با شما درمیان می‌گذارم که در تشکیل این حزب چه نیتی در کار بوده. معمولا احزاب سیاسی و حتی تشکیلات نظامی از روز اول که بوجود می‌آیند با انگیزه رسیدن به قدرت بوجود می‌آیند بخصوص در کشورهای غربی در کشورهای دارای دموکراسی، به دلیل دموکراسی و آزادی نسبی، سیاسی، هر فرد یا هر گروهی به فکر این می‌افتند که به حکومت و قدرت برسند (یا در يك شهر و ایالت یا در کل کشور) بنابراین به يك تشکیلات سیاسی دست می‌زنند.

در کشور خودمان، ایران هم معمولا حزب يك چنین انگیزه‌ای تداعی می‌کند. وقتی می‌گویند: فلان حزب تشکیل شد از همان اول به ذهن می‌آید يك دارو دسته سیاسی طالب قدرت، در صدد دستیابی به مقامات و منصب‌هاست به همین دلیل هم تا حزبی بوجود می‌آید برحسب اعتبار و اعتبار اجتماعی بوجود آورندگان آن حزب تشنگان مقام و قدرت به فکر می‌افتند که آن جا سری بزنند و ببینند اگر آنجا مقام و قدرتی هست جایی باز کنند و آینده‌ای برای خود تامین نمایند.

خوشبختانه در سالهای اخیر در ایران به خصوص در دوران اختناق شدید و خفقان 25 ساله اخیر گروه‌های متعدد سیاسی و اجتماعی به صورت مخفی یا نیمه‌مخفی وجود داشته و دارد که اینها با چنین انگیزه‌ای بوجود نیامدند.

برای نسل نوجوان ما تشکیلات سیاسی و نظامی و اجتماعی، با انگیزه قدرت‌طلبی تداعی نمی‌کند. بلکه برای نسل نوجوان ما آن تشکیلات با انگیزه خدمت و فداکاری و جانبازی در راه يك آرمان و هدف تداعی می‌کند.

دقیقا من نمی‌توانم بگویم که اگر ما به ده هزار نفر در مورد تشکیلات و هدف آن پرسشنامه‌ای بدهیم چند در صد از نسل نوجوان ما در پاسخ‌هایشان در رابطه با حزب به انگیزه قدرت‌طلبی و سلطه‌جویی و دار و دسته تقسیم مناصب و مقامات توجه می‌کنند و چند درصد به انگیزه خدمت، آرمان‌پرستی و آرمان‌طلبی و عشق و علاقه برای تلاش متشکل در راه تحقق يك آرمان اشاره می‌کنند؟ دقیقا نمی‌توانم بگویم این را باید عمل کنیم. ولی معمولا در مجامع جوانتر وقتی صحبت از تشکیلات شده، چهره‌ها را نورانی یافتیم و بالعکس درخیلی از گروه‌های دیگر وقتی صحبت از حزب می‌شود، واکنشی که انسان در چهره‌ها می‌بیند این چنین نورانی نیست.

بهر حال حزب از نظر فرهنگ اجتماعی ما معمولا با یکی از این دو مفهوم و معنی تداعی دارد. در میان عده زیادی حزب تداعی دارد به اینکه گروهی قدرت‌طلب دور هم جمع شدند تا به قدرت و حکومت برسند و وقتی هم به قدرت رسیدند نزدیکان و دوستان و هم‌پالکی‌های خودشان را در آن تشکیلات به مقام و قدرت برسانند. و برای گروه دیگر تداعی دارد با انسان‌هایی که فهمیده‌اند برای مبارزه با فسادها و تحقق بخشیدن به آرمان‌های عالی بشری و الهی باید به یکدیگر پیوندند و متشکل شوند و به منظور تشکل بیشتر نیروها در راه تحقق سریعتر آرمان‌های حزب و تشکیلات بوجود آورند. این دو نوع تداعی است که در برخورد با واژه حزب و تشکیلات در جامعه ما الان وجود دارد.

حال بپرسیم وقتی سخن از حزب یا تشکیلات یا سازمان به میان می‌آوریم اگر دنباله‌اش را نگویند حزب چه؟ سازمان چه؟ چون آن ممکن است بدلیل خوش نامی تداعی خاص بیاورد یا به دلیل بدنامی تداعی نامطلوبی بیاورد وقتی می‌گوییم حزب، سازمان، تشکیلات، بدون آنکه دنباله‌اش را ذکر کنیم در ذهن شما آیا تداعی يك مجموعه قدرت‌طلبی برای کسب مناسب را زودتر به همراه خواهد داشت یا تداعی يك تشکل نیروهای آرمان‌پرست برای تحقق بخشیدن سریعتر به آرمان‌ها؟

من درست دریافتم که در بحث تشکیلات، قبل از اینکه شکل و قالب تشکیلات را بگویم، لازم است روح تشکیلات را بیان کنم.

من و چند تن از دوستانم که از سالهای پیش فعالیتهای اجتماعی سیاسی بر مبنای اسلام را به عنوان يك فريضه بزرگ تلقي کرده‌ایم. مکرر وقتی دور هم می‌نشستیم و اوضاع و احوال را ارزیابی می‌کردیم به این نتیجه رسیدیم که نیروهای مخلص مسلمان در جامعه ما فراوانند و جامعه ما يك باطری بسیار پرارزش از نیروهای نهفته است. انبار و خزینه و گنجینه نیروهاست. ولی این نیروها یکدیگر را درست نمی‌شناسند و از وجود یکدیگر به اندازه کافی خبر ندارند. بطوریکه اجمالا ما می‌دانیم جامعه ما يك جامعه ایست پرنیرو، اما وقتی دست به هر کاری می‌زنیم در همان قدم اول و دوم می‌بینیم نیرو کم داریم. آب در خانه است و ما داریم تشنه لب می‌گردیم و بعد وقتی هم شناسایی می‌کنیم باز قدرت سازمان دادن و سامان دادن و تجربه تشکیلاتی‌مان کم است.

گاهی می‌بینیم که نیروها در هم می‌لولند و کار زیادی هم انجام نمی‌گیرد بنابراین خیلی روشن است به این نتیجه می‌رسیدیم که ما دچار ضعف تشکیلاتی هستیم و همواره از این یاد می‌کردیم که ایجاد تشکیلات اجتماعی بر پایه اسلام از واجبات اساسی هر انسان متعهد، آگاه و مسلمان است. در این باره کم و بیش کارهایی کرده‌ایم، کارهای کوچک و محدود برای تجربه. گروههای متعددی از جوانان مسلمان با ایمان نیز در طول این مدت دست به کار شده‌اند و تجربه‌هایی کرده‌اند که بعضی از این تجربه‌ها بسیار درخشان و چشمگیر بود لاقلاً در آغاز مبشر و نویددهنده آینده‌ای درخشان بود، اما بهر حال کاربرد و قدرت این کارهای انجام شده در حدی نبود که فکر ما را راحت کند که این واجب کفایی و بزرگ و مهم عملی شده و ما دیگر می‌توانیم در پی کارهای مطالعاتی و تحقیقاتی و سازندگی‌های خودمان باشیم. به این دلیل بود که مکرر باز به فکر ایجاد تشکیلات اجتماعی، سیاسی، خلاق فعال بر پایه اسلام می‌افتادیم.

در تمام این مراحل تنها چیزی که در درون خودمان حس می‌کردیم این بود که می‌خواهیم نیروهای مومن به انقلاب اسلامی را برای تحقق بخشیدن هر چه سریع‌تر بهتر و گسترده‌تر به آرمانهای این انقلاب بسیج کنیم و سازمان دهیم و سامان دهیم و چیزی که در خود نمی‌یافتیم، قدرت‌طلبی و سلطه‌جویی بود. يك عضو حزب استقلال مراکش (مغرب) همراه با عضو هیات تحریریه روزنامه ارگان این حزب بنام العلم (پرچم) اینجا آمده بود ایشان آمده بودند اینجا که مصاحبه‌ای بکنند درباره انگیزه تاسیس حزب، صحبت شد، گفتم: این حزب به منظور سازماندهی به نیروهای انقلابی و اسلامی، مومن به راه اسلام و به رهبری فاطمی که در طول مبارزه از عوامل عمده پیروزی بوده بوجود آمده است. گفت: مثلاً آیا شما و دوستان شما خواهان تشکیل دولت بوسیله خودتان هستید یا نه؟

گفتم: حقیقتش را بخواهی نه لاقلاً من و دوستان نزدیکم خواهان چنین چیزی نیستیم، تعجب کرد و گفت: ما در حزب استقلال از همان دوران مدرسه بچه‌ها را درس سیاسی می‌دهیم و در آنها انگیزه‌ای به وجود می‌آوریم که باید آماده بشوند و پستی و مقامی و کاری را احراز کنند. گفتم: ما هم این کار را خواهیم کرد. این لازمه حزب است يك حزب که دور هم جمع نمی‌شوند تا گپ بزنند دور هم جمع می‌شوند تا به کارها سامان بدهند. کارها را هم که ملائکه از آسمان نمی‌آیند اداره کنند کارها را همین مردم باید اداره کنند ولی در عین حال ما طالب قدرت نیستیم حالا من برایت این معنی را باز می‌کنم. آن معنایی را که برای او باز کردم می‌خواهم برای شما نیز باز کنم. به او گفتم:

در رابطه با قدرت دو فرمول وجود دارد: یکی قدرت بصورت يك خواسته و يك هدف فردی و یا گروهی که لذت می‌برند رییس جمهور باشند، نخست وزیر باشند. وزیر و وکیل باشند کیف می‌کنند و این يك امر طبیعی است. هر انسان سالمی خوشش می‌آید که مشهورتر، محترمتر، مقدمتر بر دیگران باشد. قدرت در شکل تفوق‌طلبی، برتری‌جویی این يك شکل است یکی هم قدرت به صورت يك وسیله برای يك خواسته دیگر عبارت است از: انجام خدمت بهتر و موثرتر در جهت خدمت بخلق برای رضای خدا.

به او گفتم: حزب جمهوری اسلامی شخص من، دوستان ما طالب و خواهان در دست گرفتن قدرت هستند اما به شکل دوم و برای اینکه ما آغاز کننده و اعلام کنندگان این تشکیلات هستیم عملاً به مردم اثبات کنیم که واقعا چنین نیتی داریم بنا داریم از قبول هر سمتی قدرت‌آفرین خودداری کنیم مگر وقتی که به صورت يك واجب مطلق عینی از طرف جامعه و رهبری جامعه به دوش ما گذاشته شود. این يك بحث دیگر است و الا تا آنجا که کس دیگر وجود دارد که این قدرت را در دست بگیرد و این خدمت را انجام دهد ماها به او الویت می‌دهیم تا درس عملی باشد. همه کسانی که در این حزب آمده‌اند و خواهند آمد این است که بگوئیم می‌شود انسان برای ایجاد زمینه‌های در دست گرفتن قدرت تلاش کند اما نه در دست خودش بلکه در دست

گروهی که به عزم این خدمت با یکدیگر متشکل شده‌اند.

این روح تشکیلات است در حزب جمهوری اسلامی

خوشبختانه قبل از این که ما با ایشان صحبت کنیم برای دو نفر از دوستان ما عینا در همین کابینه آقای بازرگان زمینه‌ای پیش آمده بود که اصرار می‌شد، وزارت آموزش و پرورش و علوم و آموزش عالی و فرهنگ و هنر هر سه بصورت یک مجموعه وزارتی باشد و اصرار می‌شد که یکی از این دو تن از دوستان، این مسوولیت را قبول کند. خود آقای بازرگان و آقای سحابی مکرر کسی را فرستادند. از آنها اصرار بود و از اینها انکار ولی همین دوستان ما تلاش کردند گروهی را پیدا کنند که مسوولیت وزارت آموزش و پرورش را عهده‌دار شوند و خوشحال هم هستیم که نسبتاً در انتصابات دولت بازرگان، به نسبت تاکید می‌کنم به نسبت انتصابات در وزارت آموزش و پرورش بهتر بوده، این روح تشکیلات است.

در حزب جمهوری اسلامی، هر کس سعی می‌کند، در این حزب جای موثری قرار گیرد که طبعاً هر جا موثر باشد سمت بالاتر و قدرت بیشتر است اما عضو در این سعیش جاه‌طلبی خود را ارضا نمی‌کند مقام طلبی انگیزه او نمی‌باشد. بلکه وظیفه‌ای را می‌خواهد بر عهده بگیرد و انجام دهد. اگر در این حزب رابطه تشکیلاتی بین تمام اعضا با یکدیگر و بین کل اعضا با مردم دیگر از این روحیه برخوردار باشد آن وقت حزب جمهوری اسلامی حزب الله است و حزب مفلحون¹، رستگاران و سعادت‌آفرینان می‌تواند باشد و حزب غالبون² و پیروزمندان می‌تواند باشد و اگر رابطه دوستان ما در این حزب، در سمت‌های مختلف رابطه برتری‌جویی، تفوق‌طلبی و بزرگ‌طلبی باشد:

گر بزرگی بکام شیر در است شو خطر کن ز کام شیر بجوی
یا بزرگی و عز و حشمت و جاه یا چو مردانت، مرگ رویاروی

و بگوید اگر در راه ریاست‌طلبی و برتری‌جویی کشته شویم تازه مرگ مردانه است، نه، اگر کسانی در این حزب با این روحیه بودند من از همین حالا می‌گویم که حزب جمهوری اسلامی آنوقت حزب شیطان است و نه حزب الله آن وقت روح تشکیلات روح شیطان می‌شود مگر شیطان چه کار کرد؟ استکبار کرد. بدترین خصلتی که از شیطان در قرآن یاد می‌شود استکبار است. خود را بزرگتر تلقی کردن، خودبزرگ‌بینی و بزرگی‌فروشی که لازمه قدرت‌طلبی است. غالب کسانی که تشنه قدرتنند معمولاً هم خود بزرگ بین بار می‌آیند یعنی خودشان را بهتر از آنچه هستند می‌بینند و هم بزرگی‌فروشی می‌کنند و مستکبرند و متکبرند و جبارند و حزبی که در آن مستکبران و جباران همه کاره باشند حزب شیطان است. در هر نقشی که باشند ولو در نقش یک سخنران ورزیده که وقتی سخنرانی می‌کند آن چیزی که از آن لذت می‌برد این است که من یک سخنرانی هستم که وقتی سخنرانی می‌کنم چشم و دلها را به خود خیره می‌کنم این هم نمی‌تواند پیام ائمه نور را به مردم منتقل کند و این خودش از ائمه نار است، این روح تشکیلات است.

تشکیلات حزب جمهوری اسلامی باید رابطه اول را نفی کند و رابطه دوم را برقرار کند خوب ملاحظه می‌کنید که به این ترتیب است که ما می‌توانیم بگوییم حوزه‌های حزب باید در مسجد باشد در درجه اول برای اینکه یک چنین حوزه حزبی واقعاً سازنده روح الهی و اخلاق است و سیاستش، سیاست الهی است. سیاست علوی است نه سیاست اموی، سیاست معاویه نیست سیاست علی (ع) است هر کاری که می‌کند عبادت است و لذا ما گفتیم نخستین جا در هر منطقه برای حزب، اول مسجدها و مدرسه‌هاست.

چون سازندگی باید داشته باشد جای سیاست‌بازان و سیاست‌پیشگان نیست. جای مجاهدان راه حق است به انواع جهاد. و این در سیمای گفتار و رفتار اعضای حزب باید نشان داده شود حاملان فروغ و نور الهی باشند. این روح تشکیلات است.

در هر واحدی از واحدهای حزبی، بین مسوولان، بین اعضا، شورای موقت یا کسانی که بعداً برای شورا انتخاب می‌شوند بین دبیر محلی حزب، بین معلمان در حوزه‌ها، بین کسانی که در آن شهر مسوولیت اداری بعهد می‌گیرند و بین مردم اگر رابطه دوم باشد ما خوشحال می‌شویم. واقعاً خوشحال می‌شویم. شاد می‌شویم و هر جا عکس این باشد نه تنها خوشحال نمی‌شویم بلکه ناراضی و ناراحت می‌شویم که ای آقا، فلان

شعبه حزب، وصله ناهم‌رنگی است بر این لباس باید زودتر آنرا پاره کرد و دور انداخت. هر جا غیر از این است اصلاح کنید. دفتر مرکزی حزب می‌کوشد تا با ایجاد يك واحد فعال برای شهرستانها، این رابطه را با همه جا برقرار کند و این پیام تشکیلاتی را عملاً در همه جا متجلی کند.

آن وقت است که جاذبه حزب يك جاذبه واقعي و طبيعي هم هست و دیگر تبلیغاتش هم يك تبلیغات عملي است. "كونوا دعاه الناس بغير السننکم"³ با رفتار و عملتان می‌توانید همگان را به حزب یا عضویت یا سمپات و طرفدار دعوت کنید.

یادآوری کنم که باز در همین روزها، از طرف گروه‌های مختلف به برخی از افراد موثر حزب پیشنهادی است برای مسوولیت سنگین و بزرگ. چون این فرد هم جز همان دوستانی است که دوست دارد تا آنجا که می‌شود کار بکند، فعالیت بکند و اما مسوولیتها را اگر کسانی دیگر هستند بعهده بگیرند تا دامن بنیانگذاران حزب از هر نوع مقام‌طلبی پاك بماند، فعلاً در برابر اصرار آنها انکار از خود نشان می‌دهد عرض کردم مگر اینکه بصورت يك واجب در بیاید آنگاه دیگر مقدس‌مآبی هم نمی‌خواهیم داشته باشیم، ما مقدس‌مآبی را همیشه محکوم کرده‌ایم اما تا آنجایی که می‌شود مقاومت می‌کند که بروند فرد مسوول دیگری را با لیاقت و کاردانی تأمین کنند. اما برای دوستان عضو اینطور نیست. همه دوستان باید برای تصدی کارها آماده باشند من گفتم که آن گروه اول این کارها را می‌کند که نشان بدهد، برای آینده این روح وجود داشته باشد و گر نه همه شما خواهران و برادران باید قبول مسوولیت کنید ولي قبول مسوولیت با آن روحیه دوم. مراقب خود باشید و قبول مسوولیت کنید.⁴

وظایف اصلي تشکيلات اسلامي

يك تشکيلات معمولاً کار خودش را با آموزش و سازندگی تشکیلاتی و کلاسها و حوزه‌های سازنده در ابعاد عقیدتی و آگاه کننده در زمینه‌های ایدئولوژیک و سیاسی و تمرین دهنده در ابعاد معنوی و اخلاقی آغاز می‌کند و جلو می‌برد. یعنی قسمت اصلي فعالیتها يك تشکيلات اینهاست و آن به طور طبیعی مستلزم این است که تشکيلات قسم اعظم نیرو و توانش را روی بیان موضع ایدئولوژیک متمرکز کند، جزوه‌هایی در این رابطه تهیه کند و تفسیرها و تحلیل‌های سیاسی بطور پیوسته در رابطه با رویدادها در اختیار اعضای تشکيلات بگذارد و فعالیتها را هم بر این پایه پیش ببرد. این راه معمول يك تشکيلات است.

بعد وقتی تشکيلات مایه‌دار شد مستقر شد و مورد قبول جامعه قرار گرفت می‌رود سراغ اینکه سرنوشت سیاسی جامعه‌اش حضور موثر پیدا کند و بگوید: حالا که ایدئولوژی من بینش اجتماعی من و بینش سیاسی من به عنوان يك نهاد اجتماعی مورد قبول بخش عظیمی از جامعه هست پس می‌توان در ساختن آینده جامعه نقش موثر داشته باشم. در آن موقع هست که مقدار قابل ملاحظه‌ای از قبیل انتخابات، روی کار آمدن دولت، تهیه برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی و اجرایی و برنامه‌های آموزشی اجرایی را ثبت خواهد کرد.

این روند معمول تشکيلاتهای سیاسی در دنیا است. پس اول با عرضه کردن بینش‌هایش، بینش‌های عقیدتی مکتبی و شناساندن این بینش‌ها به مردم کارش را آغاز می‌کند. فعالیتها تشکیلاتی در این راه: ساختن افراد، تبدیل به نیروی موثر شدن و پس از اینکه به يك نیروی موثر تبدیل شد، آنوقت می‌تواند حضورش را در صفحه تعیین سرنوشت جریان امور جامعه عملاً نشان بدهد.

حزب جمهوری اسلامی هم به عنوان يك تشکيلات اسلامی، سیاسی علي القاعده باید همین راه را می‌رفت. بنیانگذاران حزب هم در آغاز کار به يك چنین حرکتی با يك چنین سیری می‌اندیشیدند و آماده يك چنین تلاشی با اینگونه برنامه بودند ولي عواملی سبب شد که در مورد حزب جمهوری اسلامی این جریان به صورت عکس عمل شود:

1- جامعه ما بر اساس ایمان و اعتقادی که به انقلاب داشت و شناختی که سیر کلی انقلاب داشت و شناسایی که از موسسین را می‌داشتند به آسانی می‌توانستند آنها را شناسایی کنند و ببینند تا چه حد قابل اعتماد هستند قبل از آنکه بینش ایدئولوژیک يك حزب و این تشکيلات بصورت مدون عرضه بشود قبل از اینکه موسسین بتوانند نیروهای نسبتاً آماده را برای ایجاد کلاسها و حوزه‌ها و واحدها بسیج کنند و سازمان بدهند، مردم با انگیزه

همان شور و شوقشان به انقلاب اسلامي و جمهوري اسلامي به حزب روي آوردند و حزب برخلاف پيش‌بیني موسسين ناچار شد قبل از اينکه يك كار تشکيلاتي سازماني از يك جاي كوچك شروع كند و بصورت تشکيلاتي گسترش دهد ناچار شد همه توانش را روي ايجاد دفاتر در تهران و شهرها بكار برد و بجاي آنکه در هر شهري حوزه‌هاي حزبي بوجود آيد دفاتر حزب بوجود آمد و نام نويسي‌هايي که به صورت علاقه و شوق در همه جا به چشم مي‌خورد. چندين ميليون نفر آمدند و اوراق تقاضاي عضويت را تکميل کردند و به دفاتر دادند.

عامل استقبال بي‌دریغ جمع عظيمي از مردم و روي آوردنشان براي تقاضاي عضويت در اين تشکيلات بر اساس شوق و شورشان در اصل انقلاب بوده و اطمینان و اعتمادي که نسبت به موسسين حزب يا داشتند يا مي‌توانستند بدست آورند و بدست آوردنش دشوار نبود. اين موفقیت را معمولاً احزاب و تشکيلاتهاي ديگر پس از چندین سال کار تشکيلاتي بدست مي‌آورند. يعني تشکيلاتهاي ديگر بايد سالها کار کنند و تلاش کنند تا به يك چنین پایگاه مردمی و اجتماعي دست يابند و در حزب جمهوري اسلامي از همان آغاز کار معلوم شد يك چنین پیوندي میان حزب و مردم وجود دارد.

2- پس از اينکه معلوم شد حزب در میان مردم داراي يك چنین زمينه قبول اعتمادي هست خود به خود يك مقدار وظیفه به دوش حزب مي‌آمد. مثلاً در رابطه با مسائل جاري وقتي صحبت از اين ميشد که روز کارگر است، و هنوز سه ماه از پيروي انقلاب نگذشته که روز کارگر مطرح مي‌شود. اين مساله پيش مي‌آمد که روز کارگر بايد بدست گروههاي ديگر اداره شود يا با برنامه‌ها و شعارها و خط اسلامي و بدست نيروهاي اسلامي برگزار کنیم؟ اين سوال مطرح ميشود که اگر حزب جمهوري اسلامي يك تشکيلات 500 نفری، 1000 نفری، 2000 نفری بود مي‌گفت: بله البته اين کار لازم است که روز کارگر را بدست نيروهاي اسلامي برگزار کنیم. ولي براي تشکيلات 500 نفری، 1000 نفری، 2000 نفری رفتن به اين ميدان میسر نیست.

"و لا يکلف الله نفسا الا وسعها⁵ لا يکلف الله حزب الا الوسعه".

اما وقتي که حزب مي‌ديد مي‌تواند با همکاري روحانيت مبارزي که با او همگام بود و حتي در استقبال مردم موثر بود و با اعتمادي که مردم دارند بيايد به اولين تجربه دشوارش دست بزند و بگويد مي‌خواهيم روزکارگر را سرا پا با برنامه‌هاي اسلامي برگزار کنیم. ميرود سراغ اين تجربه و تصميم مي‌گيرد که روز کارگر را بدست کارگران مسلمان برگزار کند و با موفقیت هم برگزار مي‌کند: يعني شعار روز کارگر به عنوان يك شعار بي اثر و کم اثر، فقط در خدمت منحرف کردن حرکت کارگري ما از راه اسلام به راه‌هاي ديگر در دست ديگران بود و اين بايد بيايد در دست نيروهاي مسلمان و مومن، و اين کار عملي شد.

مي‌بينيد قصه عکس شد، يعني، قبل از اينکه حزب بتواند فعاليتهاي سازنده تشکيلاتي بکند مي‌رود سراغ انجام وظائف بزرگ اجتماعي که تشکيلاتهاي بثمر رسیده و به سن بلوغ رسیده به سراغ آن مي‌روند. اين نوزاد حزب که دو ماهه بود مي‌خواهد برود و گرز يك پهلوان را بلند کند و اينکار انجام مي‌شود و موفق هم مي‌شود[...]⁶

زمينه و انگیزه تشکيل حزب جمهوري اسلامي

حزب جمهوري اسلامي بخاطر اجرا و تحقق و عينيت بخشیدن به معيارها و ارزشهاي اسلام بوجود آمد

انقلاب ما، انقلاب ارزشهاست

انقلاب ما انقلاب ارزشهاست من مکرر در رابطه با خودم و دوستانم عرض کرده‌ام دوستان عزيز ولو ده نفر، صد نفر، يك ميليون نفر ما را به جاي ارزشها بنشانند عکس مساله است. تعليم اسلام و تعليم مولا اينست «تو ارزشها را بشناس و اشخاص را با ارزشها بسنج» بحثها بايد بر محور ارزشها باشد حمايت‌ها بايد از ارزشها باشد، درود بايد بر ارزشها باشد، درود بر شهيدان» اين مي‌شود درود بر يك ارزش، درود «بر انسانهاي مخلص» حمايت از يك ارزش مي‌شود، «درود بر کسانی که از بام تا شام مخلصانه براي مردم در راه رضاي خدا زحمت مي‌کشند» اين مي‌شود درود بر يك ارزش.

ما باید ارزش‌ها را بشناسیم، البته اشخاص را هم باید بشناسیم، شکی نیست، اما اول ارزشها، بعد اشخاص، نه اول اشخاص بعد ارزشها. آیا یادمان بیاید آیا یادمان نیاید! نمی‌شود منزلت مردان و انسانها را با محک حق عیار زنی و بشناسید، معیارها باید مطرح باشند، مبدا انقلاب ما به بیراهه کشانده شود. مبدا حرکت شما مردم عزیز با ایمان دچار کجروی بشود به همین دلیل بود که ما در حزب جمهوری اسلامی تلاش می‌کردیم تا هر چه زودتر ارزشها را به صورت تفصیلی‌تر (ارزشها را بصورت فشرده همان اول در مرامنامه آورده بودیم) در يك مجموعه گردآوری و منتشر کنیم. اینکه در روزنامه جمهوری اسلامی مواضع تفصیلی حزب جمهوری منتشر می‌شود هدف ما از انتشار این مواضع چند چیز است:

هدف از انتشار مواضع ما

همه مردم رابطه‌شان را با این تشکیلات اسلامی بر اساس این ارزشها تنظیم کنند کسانی که این ارزشها را قبول دارند اینها باید حزب جمهوری اسلامی را هم قبول داشته باشند می‌خواهد عضو حزب باشند یا عضو نباشند. کسانی که این ارزشها را قبول ندارند نگویند حزب را قبول داریم! صاف و پوست کنده بگویند. ما این ارزشها را قبول نداریم. يك حرف ما همین است که می‌گوییم آقا بیاییم، راست باشیم. پوست کنده حرف بزنیم. ما در مبانی ایدئولوژیک که می‌گوییم: خدا از دیدگاه و جهان‌بینی اسلامی ما، عینیت‌های این جهان و این نظام قانونی حاکم بر روند جهان ماده که جلوه اوست از قوانین ثابت حاکم بر طبیعت خودشان جدا نیستند این قوانین جلوه اراده و مشیت ذات لایزال متعالی خداوند است. این يك نقطه نظر مهم است. شما می‌دانید بسیاری از گروهها و اشخاص که وقتی نوشته‌هایشان را می‌خوانید کاملاً معلوم است که آنها حداکثر اسم این قوانین و ضابطه حاکم بر طبیعت را خدا می‌گذارند، حال چطور انسان با این قوانین مناجات می‌کند، آن شبهای ماه رمضان که تو می‌گویی: «یاالله» این شبهای جمعه که در دعای کمیل می‌گویی «یا رب» «یا رب» خطاب به این قوانین ثابت حاکم بر طبیعت می‌گویی؟! مثلاً قانون ثابت اینکه از دو تا نیدروژن و يك اکسیژن آب تشکیل می‌شود، داری با این مناجات می‌کنی؟ ای خدای سمیع بصیر شنوای دانای حکیم خبیر، کاردان، آگاه پر مهر و رحمان و قهار اینها هست؟ این يك مساله بنیادی است. وقتی انسان در این مساله بنیادی اختلاف نظر دارد. صادق باشد. و پوست کنده بگوید که نظرگاه ما این است. تا مردم بفهمند چه می‌گوییم. راه خودشان را پیدا کنند معاد از دیدگاه اسلامی آنطور که ما اسلام را می‌فهمیم، معاد یعنی من و شما پس از مرگمان، حیات جاودانه جدیدی با شکلی جدید داریم یا در بهشت است یا در دوزخ است یا در شبه بهشت و دوزخ است، تك تك ما معاد داریم، ما از قرآن این را می‌فهمیم. جامعه بی‌طبقه بهشت و جامعه طبقاتی جهنم است!!! حالا اگر کسی می‌گوید معاد عبارت است از مشکل اجتماعی. اگر جامعه بی‌طبقه است... بهشت اگر جامعه چند طبقه است می‌شود دوزخ، جهنم کجاست؟ جامعه طبقاتی! بهشت کجاست؟ جامعه بی‌طبقه! جامعه بی‌طبقه توحیدی بهشت است! جامعه طبقاتی جهنم است و سرانجام بشر یا به سوی بهشت است یا به سوی جهنم و البته از جهنمها یعنی از جامعه طبقاتی انسان بالاخره عبور می‌کند فرجام کار همه هم بهشت است یعنی جامعه بی‌طبقه توحیدی، این یکجور فهم معاد است و شاید هم به ذائقه خیلی‌ها شیرین بیاید. شاید برای خیلی‌ها اصلاً بدین صورت قابل معنا باشد، ولی این جور معاد، این عشق‌ها، آن امیدها و آن بیم‌ها را به‌مراه ندارد این انسانی که الان می‌میرد به این دیگر ارتباطی ندارد.

معاد از دیدگاه قرآن

برای اینکه این جامعه طبقاتی مال بعد است جامعه بی‌طبقه هم مال بعد است، به من و شما چه، قرآن می‌گوید هر تك انسانی، هر فرد انسان معادی دارد. هر فرد انسانی معاد دارد، یا اهل سعادت است و بهشت، یا اهل طاغوت است و دوزخ، شما این را از قرآن نمی‌فهمید؟ شما در تعلیمات اسلامی‌تان غیر از این می‌فهمیدید؟ خوب این را رك بگوییم. برای این که اینها آثار علمی دارد، نظام اخلاقی، نظام اجتماعی، نظام فکری، نظام احساسی و قلبی دو جور نظام می‌شود، اینها را باز بگوییم. ما در مورد اخلاق همین را گفتیم، گفتیم هر کس در هر تشکیلات اسلامی خواستار این ارزشهای متعالی باشد، روی چشم ما، می‌خواهد عضو این تشکیلات (حزب جمهوری اسلامی) باشد می‌خواهد نباشد و گفتیم کسانی که این اصل را باور ندارند و عمل نمی‌کنند، متخلفند از معیارها و ارزشهای اسلام که این حزب بخاطر اجرا و تحقق و عینیت بخشیدن به آن معیارها اصلاً بوجود آمد، و

اگر کسانی هستند در داخل این تشکیلات که هنوز این خلق اسلامی را ندارند، باید اینها را ساخت و اگر قابل ساختن نیستند بیرون کرد.

حزب و ارزشها

این ارزشها را به تفصیل جمع‌آوری کرده‌ایم که ان شاء الله جدای از هم در یک کتاب منتشر می‌شود تا همه مردم رابطه‌شان را با این تشکیلات اسلامی بر اساس این نقطه نظرها تنظیم کنند. آنها که مخالفند رک و پوست کنده بگویند ما در این جا و آنجا و... نظرم آن با نظر این تشکیلات مخالف است آنهايي هم که موافقند بگویند ما موافقیم، حالا خواه علاوه بر موافقت، خواستار حضور و دخول و ورود در این تشکیلات هم باشند خواه نباشند، آن مساله دیگری است، ما در همه زمینه‌ها، زمینه‌های اعتقادي، جهان‌بینی، درباره جهان، درباره انسان، خیلی فشرده روند تاریخ، خیلی فشرده نبوت و وحی، معاد، امامت، جامعه و ساخت جامعه ولایت فقیه، مردم، حاکمیت مکتب، کیفیت اداره جامعه اسلامی و بالاخره ما می‌خواهیم این جامعه را چطور اداره کنیم، سیاست قضائی، چه جور ما می‌خواهیم دستگاه قضائی‌مان باشد، سیاست دفاعی، ما می‌خواهیم امنیت داخلی و خارجی‌مان را به چه صورت تهیه و تامین کنیم، سیاست اقتصادی، اصول برنامه‌ریزی آینده اقتصادی ما در رابطه با اقتصاد کشور، در رابطه با اقتصاد صنعتی، در رابطه با اقتصاد بازرگانی، سیاست خارجی ما در رابطه با کشورهای اسلامی، در رابطه با کشورهای غیراسلامی در رابطه با پرگوها و سلطه‌جویی‌های دنیا، اینها را تنظیم کردیم تا معلوم شود که نقطه نظر ماها برای ساختن جامعه اسلامی چیست و از سال 60 به تفصیل خطوط کلی برنامه پیشنهادی‌مان پرداختیم برای همه ملت قهرمان ایران روشن باشد. علاوه بر این در داخل تشکیلات هم باید وضع‌مان روشن باشد ما همه این مواضع را مشخص کردیم.

تحقیق پیرامون حکومت اسلامی

خود من از سال 1321 که سال شروع تحصیلات بوده است و حالا که سال 59 است، 38 سال است که در زمینه مسائل اسلامی تحقیق و تدریس و تالیف کرده‌ام. و از اول میل و رغبت و عشق ما بر این بود که اگر ما یک نظام اجتماعی اسلامی داشته باشیم، چکار باید بکنیم که در این مورد در سال 1342 واحدی در قم بوجود آوردیم، برای تحقیق پیرامون حکومت اسلامی، که بعد ساواک فهمید حمله کرد به این کار ما و من اول سال 1344 بود که به آلمان رفته بودم و هنوز کارمان را ادامه می‌دادیم که برادرها گفتند حمله کرده‌اند و کی کی را گرفته‌اند و همین کار علمی‌مان تبدیل به یک کار مخفی شد، بعد هم که ماند تا سال 49 که من برگشتم، با همکاری برادرها می‌خواستیم زمینه تحقیق را دنبال کنیم که البته نرسیدیم به حکومت اسلامی و روی مقدماتش کار می‌کردیم ولی علاقه‌مان باز روی این گونه مسائل بود روی زمینه اقتصاد اسلامی. مثلاً آیا در جامعه اسلامی، بانک می‌خواهیم یا نمی‌خواهیم؟ اگر می‌خواهیم باید با ربا باشد یا بی‌ربا؟ یا ربا اما با سود تضمین شده این اخیراً یک حيله جدید بر حيله‌های قدیم افزوده شده که به ربا بگویند: «سود تضمین شده» جانم سود تضمین شده، همان ربا است دیگر ما که مکرر گفته‌ایم ربا به هر شکل که باشد حرام است و ربا مثل سگ است که هر چه آب بکشی پاک نمی‌شود.

خوب به هر حال ما گفته‌ایم آنچه جمع دوستان ما می‌فهمند این است اما وحی منزل نیست و قابل بحث و مطالعه است و قابل نقد است، اما با همه نقدها که می‌کنیم ممکن است 2 یا 3 یا 5 درصدش قابل اصلاح باشد می‌تواند خطوط کلی ساخت جمهوری اسلامی را از دیدگاه ما مشخص باشد و به یاری خداوند می‌خواهیم با همه برادرها و خواهرهایی که این طرح و اندیشه را می‌پسندند و می‌پذیرند برای ساختن امت وسط اسلامی بر همین اساس حرکت کنیم ان شاء الله.

رابطه ما و گروه‌های دیگر

یکی از کارها و بحث‌هایی که ما در این نوشته کرده‌ایم (که در روزنامه جمهوری اسلامی منتشر می‌شود) مواضع ماست در رابطه با گروه‌هایی که ما آنجا نظرم آن را مشخص گفته‌ایم: ما در برابر گروه‌های مسلمان معتقد فعال مخلص در خط امام، رابطه برادرانه داریم و هر گونه رابطه رشک‌آمیز نسبت به

این گروهها را گناهی بزرگ و تباهی آور می‌دانیم و اما با گروههای دیگر که آنها را به دو دسته اصلی تقسیم کرده‌ایم: يك دسته آنها که ضداسلام نیستند، هر چند طبق اسلام هم نیستند، که گفته‌ایم آنها آزادند، اما ما با آنها مبارزه فکری خواهیم داشت و ما نقد خواهیم کرد مواضع آنها را و انتقاد و رد خواهیم کرد اما با استدلال و يك دسته آنهايي که ضداسلامند ولي بر روي جمهوري اسلامي شمشيري نمي‌کشند که آنها آزاديهاي دارند و سخت آنها را انتقاد خواهیم کرد. و يك عده آنهايي که ضداسلامند (ولو بنام اسلام) و بر ضد جمهوري اسلامي توطئه مي‌کنند و حتي شمشير مي‌کشند که اينها را دولت اسلامي بايد غيرقانوني اعلام کند و با آنها بعنوان يك جمعيت غيرقانوني عمل نمايد.

به هر حال این نقطه نظرها مشخص شده که امیدواریم بیاری خداوند بتوانیم، نقطه نظرهایی که روشن و قابل قبول برای همه ما است، دنبال کنیم و آنها که درخور انتقاد است، برادرانه انتقاد کنیم و اصلاحش کنیم، اما سرگردانی و حیرانی و بی‌عملی، رکود و توقف، دشمن انقلاب است و ما با هر گونه سرگردانی و هر گونه حیرت و بی‌تفاوتی که بخواهد در امت بپاخاسته ما رخنه کند، شدیداً مخالف بوده باید تلاش کنیم، که این بیماری خطرناک به جامعه ما نفوذ نکند. من می‌دانم که این مطالبی که منتشر شده شرح و تفصیل می‌خواهد و بحث لازم دارد که امیدوار هستیم که با همت و علاقه برادران و خواهران جلسات بحث سازنده (نه جلسات جدال) بر اساس این متنی که منتشر می‌شود، در همه جا بوجود بیاید و به یاری خداوند، بتوانیم رو به شکفتن و رشد بیشتر برویم [...]

پاسخ به سوالات حاضرین

در اینجا سوالاتی شده است که به آنها در این فرصتی که باقی مانده است جواب می‌گویم:

سوال شده است نظر امام را راجع به حزب جمهوری اسلامی بفرمایید و فرمان و پیام امام را عیناً ذکر کنید.

شخص من از اول نظرم این بود که امام در همان مقام والای شامخ عمومی رهبریشان هستند و حزب يك تشکیلاتی است، می‌آید نقطه نظرهایش را می‌گوید و کارهایش را می‌کند و افرادی را که موثرند و جامعه از آنها شناختی دارد به اعتبار آن نقطه نظر و به اعتبار اعتمادی که به این افراد دارد، روابطش را با حزب تنظیم می‌کند و چه لزومی دارد که ما پای امام را همه جا بکشیم منتهی ما خودمان از همان اول مقید بودیم که این گونه اقدامات را با امام بعنوان رهبر در میان بگذاریم، مطلب را با ایشان در میان گذاشتیم و ایشان فرمودند خوب است. اقدام کنید که بعدها ایشان بیش از این هم عنایت داشتند و من نمی‌خواهم امام را از همان مقام شامخ رهبری کسی یا کاری یا جریانی، به این کارهایی که در درجات بعد قرار دارد (نام امام و عنوان امام را) بکشانم. ما يك فعالیتی بر طبق وظیفه می‌کنیم برادرها و خواهرها به کار ما و سابقه ما و میزان قابلیت اعتماد ما که آنجا هستیم بنگرند و در این حدود ترتیب اثر بدهند. فکر می‌کنیم این اولی است [...]

شرایط عضویت در حزب

سوال کرده‌اند که آیا حزب جمهوری اسلامی عضو می‌پذیرد؟ اگر اینطور است شرایط آنرا اعلام کنید.

البته حزب آماده برای پذیرش عضو است، شرایطش هم این است که داوطلب، مسلمان، متعهد و پایبند در عمل به موازین اسلام باشد و اهل مبارزه باشد، بی‌حال نباشد، و مواضع فکری حزب را هم وقتی که مطالعه کردید همدیگر را شناختید، آن وقت بعد از شناسایی، تصمیم می‌گیرند درباره عضویت و کارت صادر می‌کنند و این کیفیت عضو شدن در حزب است، تعداد بی‌شماری تقاضای عضویت را در همان ماه‌های اول تشکیل حزب امضا کردند، ما در برابر همه آنها خجلیم که خیلی زود نتوانستیم سراغ آنها برویم، به علت مسوولیت‌هایی که برای کارهای مملکت داشتیم ما هم انقلاب را بر حزب مقدم داشتیم، رفتیم سراغ ایفای وظایفمان درباره جامعه و اداره جامعه انقلابی‌مان و بعد حالا چند ماهی است که از همین تعداد وقتی که اشاره کردم مثلاً بنده چهار تا بعد از ظهر را در اختیار کارهای تشکیلاتی و سازندگی حزب گذاشتم و برادرهای دیگر هم کمک‌هایی می‌کنند و يك مقدار داریم حرکت می‌کنیم ان شاء الله... امیدوارم تا حدودی جبران پاسخ کرده باشیم.⁷

انگیزه تاسیس حزب جمهوری اسلامی

داشتن تشکیلات سیاسی اجتماعی، شرط تداوم انقلاب است

سلام علیکم و رحمه الله و برکاته، حضور در جمع شما و سخن گفتن از نزدیک با شما عزیزان همیشه ارزنده‌ترین کارها و مفیدترین و نزدیک کننده‌ترین برنامه‌هایی بوده که داشته‌ایم و در این یکسال اول پیروزی انقلاب تراکم مسوولیت‌ها کمتر توفیق این حضور را نصیب من و برخی از دوستان می‌کرد. در آستانه دومین سالمان پس از پیروزی در برنامه‌ریزی کارها تصمیم‌مان بر این شد که مقداری از وقت را اختصاص بدهیم به این حضور چون تجربه دیرینه نشان داده که حتی صحبت کردن با مردم از طریق تلویزیون هم جای این صحبت‌ها را نمی‌گیرد. آنجا آدم یکطرفه است و دیگران ما را می‌بینند ولی ما مردم را نمی‌بینیم، این است که در این یک ماه و نیم اخیر این توفیق را داشته‌ام که در مجامع مختلف مساجد دانشگاهها و مراکز دیگر در تهران و خارج از تهران هر چند روز یک بار در جمع دوستان حاضر باشم موضوع گفتگو معمولا به انتخاب و گزینش دوستان تعیین شده و در این دیدارها موضوع را عملکرد یکساله حزب جمهوری اسلامی معین کرده‌اند.

دیروز در دانشکده الهیات بحثی داشتم پیرامون رسالت دانشجو و دانشگاه پس از پایان بحث به مقداری از سوالات رسیده جواب دادم یکی از این سوالات این بود که با توجه به موقعیت روحانیت در جامعه ما و پیوندی که میان مردم و روحانیت اصیل و مورد اعتماد وجود دارد آیا فکر نمی‌کنید که شما و امثال شما از همان طریق روحانیت و رابطه‌ای که از این طریق دارید نقش اجتماعی‌تان را بدون پرداختن به حزب ایفا کنید؟ بنابراین اولین مساله‌ای که باید برای برادرها و خواهرها روشن بشود اینست که ما چرا به فکر ایجاد حزب افتادیم درست همان مطلبی را که سوال کننده به عنوان مبنا و پایه سوالش مطرح کرده بود مورد توجه قرار بدهید جواب این سوال بدست می‌آید یک وقتی بعضی‌ها به فکر ایجاد حزب و تاسیس حزب می‌افتند برای اینکه یک دار و دسته‌ای در جامعه پیدا کنند یک مشت هوادار پیدا کنند جایی توی جامعه داشته باشند احزابی که در خیلی از جامعه‌ها از جمله ایران بوجود آمده خیلی‌ها این خط را دنبال کرده‌اند سوال این سوال کننده نشان می‌دهد که موسسین حزب جمهوری اسلامی نمی‌توانستند چنین انگیزه‌ای را داشته باشند چون کسانی که اعلام تاسیس حزب را کردند پنج چهره روحانی بودند که آنقدرها هم توی جامعه بی‌جا و بی‌پایگاه نبودند که حالا بخواهند از طریق ایجاد حزب پایگاه پیدا کنند. اینقدر هم سرشان می‌شده اینقدر هم توی روحانیت و توی جامعه استخوان خرد کرده بودند و سالها را گذرانده بودند که بدانند پایگاه و جایگاه یک روحانی فعال و مورد علاقه آنقدر هست که دیگر نیازی به ایجاد حزب نداشته باشند آنهم یک باره پنج چهره روحانی متفق دست به این کار بزنند خوب پس ما پی چه چیزی می‌گشتیم؟ پایگاه و جایگاه که بود نمی‌خواستیم پس پی چی می‌گشتیم؟ حتی یادم می‌آید محقق عالی قدر و متفکر و گوینده و نویسنده پراج و برادر شهیدمان مرحوم استاد مطهری رحمه الله علیه ایشان در همان آغاز این مطلب را به عده‌ای از دوستان می‌فرمود که این برادرهای ما دست به کاری زدند که اگر نیتشان خدا نباشد خسارت کرده‌اند همین‌طور است. انگیزه ما نمی‌تواند از این انگیزه‌های معمولی طبیعی حزب باشد به علت اینکه ما اقدام کردیم به تاسیس حزب جمهوری اسلامی به خاطر اینکه تجربه تاریخی نشان داده است که در تاریخ ملت ما هر بار ملت قیام کرد و در این قیام بخصوص هنگامی که روحانیت و نقش علمای اسلامی متعهد و آگاه به صورت عامل برجسته پیروزی قیام مورد قبول خودی و بیگانه قرار گرفت و ملت با تحسین عظیمی به اعتبار و اعتماد و حضور روحانیت متعهد و مسوول مورد قبولشان صحنه گسترده مبارزه را پر کردند پس از پیروزی یک گروه متشکل 200 نفری 300 نفری گاهی 50 نفری یا 5000 نفری به دلیل تشکل‌شان آمدند و صاحب همه دستاوردهای این مبارزه و نبرد عمومی خلق و ملت شدند و مبارزه را پس از پیروزی به هر سمتی دلشان خواست بردند یک وقتی به سمت شرق یک وقتی به سمت غرب و همه فریادهای ملت که از عمق وجدانشان بر می‌خواست که نه شرقی و نه غربی را خنثی و بی‌اثر کردند.

ما از همان اوایل حضور در مبارزه‌ها به ضرورت این تشکل پی بردیم خوب یادم می‌آید در سنین نوجوانی در مبارزه ملی و نهضت ملی مردم ایران در سالهای 1329 تا 32 مردم ما با ایمان و اعتقادی که به این دو نوع رهبری دینی و سیاسی داشتند آن وقت اگر نخواهیم حق مطلب را بگوییم اگر

بخواهیم هیچ حقی را زیر پا نگذاریم باید بگوییم در آن موقع ملت ما هم اعتقاد و اعتماد به رهبری روحانیت مبارز که در آن زمان چهره برجسته و پیشگامش مرحوم آیت‌الله کاشانی بود وارد معرکه شدند و هم به اعتبار و اعتقاد و اعتمادی که به یک چهره سیاسی و پراسابقه یعنی مرحوم دکتر مصدق داشتند واقعیت این است که آن موقع رهبری مشترک بود میان این دو و در همان موقع پس از کودتای ننگین 28 مرداد سال 1332 در گروه‌های مختلف به جمع‌بندی و تجزیه و تحلیل حوادث پرداختیم و این جمع‌بندی‌ها در چند مورد به این نتیجه رسید که حتی مرحوم مصدق از همکاری یک مجموعه متشکل سازمان یافته خردار محروم بود حتی او نه تنها بلکه مرحوم آیت‌الله کاشانی و روحانیت که وارد معرکه شده بودند دارای تشکل کافی موثر نبودند مرحوم دکتر مصدق هم فاقد یک چنین یاران و همکاران متشکل بود. به همین جهت پیروزی‌های بدست آمده از مبارزات دلیرانه و فداکارانه مردم از طرف گروه‌های متشکل دیگری که خط داشتند مورد تهدید قرار گرفت با آن شرح که خوانده‌اید و شنیده‌اید و احیاناً می‌بینیم چهره‌های کمی را که می‌توانم به شما بگویم که دیده‌اید و دیدید ما از همان موقع این تجربه را اندوختیم که یک نهضت و انقلاب با حضور همگانی، ناس، عامه، خلق، توده، به سمت درهم شکستن نیروی دشمن جلو می‌رود و احیاناً وقتی از رهبری واحد، آگاه، شجاع و قاطع برخوردار باشد به پیروزی‌های ارزنده‌ای هم دست می‌یابد اما نگهداری این پیروزی در خط اصیل مبارزه به خصوص پس از پیروز شدن و مسوولیتها را بر عهده گرفتن شرطش این است که نیروی سازمان یافته و متشکل دارای مواضع مشخص و روشن و قطعی آینده‌نگر و برنامه‌های متناسب با نیازها مسوولیت را به عهده بگیرد و این نیروی متشکل نیرویی باشد که متکی به همان مردم باشد همان‌ها که مبارزه کردند. بنابراین داشتن تشکیلات – سیاسی اجتماعی دارای فرهنگ اصیل انقلاب و مورد اعتقاد و اعتماد مردم و برخوردار از پایگاه مردمی و ناسی و عمومی شرط موفقیت در تداوم یک مبارزه و انقلاب است. این تجربه‌ای بود که در بررسی حوادث همین آب و خاک و همین شما مردم بدست آورده بودیم. به همین دلیل ما مدتها و سالها بود با یاران و دوستانمان در پی این بودیم که به ایجاد نوعی تشکیلات اسلامی – سیاسی فعال مردمی دست بزنیم. مکرر حتی شرح هم دادیم یکی از اقدامات ارزنده جالب تشکیل هیات متولفه بود که اتفاقاً یکی از بخش‌های موثر آن در ایران همین بخش از تهران بود مبارزانی که از همین منطقه تهران بر می‌خاستند و درست در همان موقع هم بود که این دوستان در رابطه با امام خواسته بودند که چند تن روحانی مورد اعتماد امام و اینها مسوولیت‌های فقهاتی این گروه متشکل را به عهده بگیرند و امام، چهار نفر از ماها را برای ایفای این نقش تعیین کرده بودند که در رابطه با این دوستان به فعالیت شکل یافته مبارزاتی‌مان ادامه بدهیم بر اساس اعتمادی که همه ما به تشکل داشتیم تقریباً قسمت معظم تلاش‌هایمان را در داخل این تشکلات قرار دادیم البته تشکیلات هیات‌های متولفه آسیب‌پذیر شد و به دنبالش تشکیلات و سازمان‌های دیگر و دیگر و دیگر بوجود آمد سازمان‌هایی که احیاناً در آن روحانیت وجود داشت یا نداشت تا حدود دو سال یا دو سال و نیم قبل که بار دیگر دوستان همفکر این نیت را دنبال کردیم به خصوص حوادث سال 1354 و آن اعلام مواضع خاصی که پیش آمد همه را نگران کرد برای ما هوشیار باش بود که حرکت متشکل باید برخوردار باشد از یک نوع هدایت و رهبری متعهد واحد شرایط، فقاقت پویا و ارزنده اسلامی. کارهای گوناگونی انجام دادیم تا این که مرامنامه و اساسنامه‌ای که به خدمت دوستان داده شده آماده کردیم حدود 7 یا 8 ماه به پیروزی مانده بود که در صد اعلام موجودیت این تشکیلات بودیم مطلب را با امام لازم بود که در میان بگذاریم پس از چندی با ایشان در میان گذاشتیم خواستیم نظر رهبر را در باره این کار بدانیم ایشان اصلش را تأیید کردند منتها فرمودند طوری باشد که از مسوولیت‌های روزانه انقلاب کسی باز نماند و از قضا شتاب انقلاب در آن ماه‌ها ما را چنان مشغول کارها کرده بود که فرصتی برای این کار به دستمان نیامد. پس از پیروزی 22 بهمن مجدداً مساله و مطلب با امام در میان گذاشته شد نظر ایشان را جویا شدیم ایشان همان موقعی که ما در تلاش بودیم برای تشکیل شورای انقلاب و دولت موقت انقلاب به رای العین دیدند که چطور اگر یک انقلاب و مبارزه تشکیلات از خودشان نداشته باشد، روزگاری می‌رسد که باید آدم از اینجا و آنجا قرض کند این را به رای العین ایشان دیدند و لذا فرمودند بله خوب است اقدام بشود.

یکی دو روز گذشته بود ما هنوز اعلام نکرده بودیم یکی از برادران عزیزمان خدمت امام بودند برگشتند و گفتند امام می‌فرمودند پس چه شد یعنی اینقدر به رای العین این ضرورت را احساس می‌کردند می‌خواستند این کار هر چه زودتر انجام بگیرد.

انگیزه ما برای این اقدام این بود که نیروی خلقی و مردمی مبارزه دارای این خصوصیات باشد. به این خصوصیت‌هایش توجه کنید. اول اینکه رهبری را در جامعه اسلامی مربوط می‌دانند به فقیه واحد شرایط جامع‌الشرایط مبارز آگاه متعهد و مسوول و شجاع یعنی همانی که بعداً موفق شدید شما مردم

به عنوان يك اصل در قانون اساسي جمهوري اسلامي بياوريد. تشكيلات سياسي و اجتماعي كه وقتي مي‌گويد من تشكيلات اسلامي هستم مشخص مي‌كند کدام اسلام، اسلام به تشخيص چه كسي؟ اين مهم است اسلام يك سلسله آگاهي‌ها و مسائل همه كس فهم دارد همه مي‌فهمند قرآن يك سلسله آيات دارد كه مي‌توان خوب فهميد. يك سلسله روايات و احاديث داريم كه هم از نظر حدود و اينكه كلام پيغمبر و امام است و وضعش روشن است هم از نظر دلالت و معني و هم از نظر جهت صدور و اينكه تحت چه شرايط و ناظر به چه شرايطي امام يا پيغمبر مطلبي را فرموده يا عملي را انجام داده و يا چنين تعريفی را از كاري كه ديگران انجام داده‌اند كرده قول و فكر و تقريب هست اما بسياري از مسائل و مطالب هست كه اينها را همه كس به آساني از كتاب و سنت نمي‌تواند بفهمد چون احتياج دارد به كارشناس متخصص ورزيده تربيت شده با تقواي با فضيلت زمان آگاه عالم به زمانه بي‌هوای بي‌غرض قابل اعتماد. يك جامعه اسلامي نمي‌تواند بدون يك چنين رهبري و پيوند با يك چنين رهبري به زندگي اسلاميش ادامه دهد. ما هم درصدد ايجاد تشكيلات سياسي و اجتماعي و اسلامي بوديم كه اين اصل را به عنوان يكي از اصول اجتماعي زندگي اسلامي خودمان معتقد باشيم پذيرفته باشد اين يكي از ويژگيهاي تشكيلاتي.

دوم اين كه تشكيلاتي باشد متعلق به همه مردم جوان، پير، زن، مرد، شهري، روستايي، كارگر، پيشه‌ور، مهندس، پزشك، معلم، دانش آموز، دانشجو، روحاني، همه. يك تشكيلاتي كه همان همگاني بودن توده به پا خاسته مبارز را نشان بدهد به همه قشرهاي اجتماعي متصل و مرتبط باشد اين هم خصوصيت دومش.

خصوصيت سوم اينكه در عين حال كه مي‌كوشد هر چه مي‌تواند وسيع‌تر و گسترده‌تر و فراگيرتر باشد، انحصارطلب نباشد. يكي از اصول تشكيلاتي در حزب جمهوري اسلامي كه در جزوه‌هاي آموزشي منتشر شده اين چند ماه كه در دوتاي آن آمده و اخيرا هم يك جزوه خاصي تكامل يافته‌تر از آن براي انتشار در دست تنظيم است. يكي از اصول تشكيلات آن است كه حزب جمهوري اسلامي مجموعه ايست از عناصر معتقد به اسلام و معتقد به مبارزه كه دقت كنيد كه پاسدار ارزشهاي عالي اسلامي باشند، متعلق به ارزشها باشند به طوري كه براي هر كاري براي هر سمت و براي هر مسووليت بگردند، ببينند كي صالح‌ترين است اين صالح‌تر مي‌خواهد عضو اين تشكيلات باشد يا رسماً مي‌خواهد نباشد[...]⁸

نقش تشكيلات در پيشبرد انقلاب اسلامي ايران

نقش نظم و تشكّل در زندگي

خواهران و برادران، فرزندان اسلام!! چه سعادت‌مند هستيد كه فرزندان نوجوان دوره انقلاب شكوفاي اسلامي مي‌باشيد. شما در زماني دوره جواني را طي مي‌كنيد كه هر روز براي شما درسي است. انقلاب، عجب مدرسه سازنده و آموزش دهنده است. آن قدر انقلاب اسلامي به همه ما درس داده، كه در هيچ كتابي نمي‌توانستيم بخوانيم و در هيچ كلاسي نمي‌توانستيم ياد بگيريم.

انقلاب اسلامي به ما نشان داد كه انسان چه گنجينه پري است چقدر استعداد دارد چقدر نيرو دارد وقتي به حركت مي‌افتد چقدر توان دارد و چقدر قدرت دارد.

انقلاب به ما نشان داد كه سرنوشت ما بدست كي ساخته مي‌شود بدست خود ما. اين ما هستيم كه اگر در صحنه حضور داشته باشيم اگر از انجام و وظيفه‌هايمان غفلت نكنيم خودمان سرنوشت خودمان را مي‌سازيم. انقلاب به ما نشان داد كه وقتي يك ملت به پاي مي‌خيزد اگر به پا خاستنش براي خدا باشد از حمايت خداوند و نصر خداوند برخوردار مي‌شود آن وقت يك ملت بپاخاسته و برخوردار از هدايت و حمايت خداوند هيچ قدرتي را نمي‌توان در برابرش ياري ايستادن باشد.

مساله امامت

انقلاب به ما نشان داد که مساله امامت و مساله ولايت چقدر مساله مهمي است، نشان داد وقتي جامعه يك محور قابل اطمینان پیدا مي‌کند يك امام پیدا مي‌کند و در پي آن حرکت مي‌کند چه سعادتي دارد. نعمت امام چه نعمت بزرگي است و جامعه بايد همیشه در راهي برود که امامها در آن ساخته شوند. همه شما ياد گرفتيد که يك نقطه مرکزي براي سعادت جامعه وجود دارد و آن امامت و امام است و اين نقطه مرکزي همیشه بايد پرتوان‌ترين و پاك‌ترين و صادق‌ترين و اصیل‌ترين و خداپرست‌ترين و با تقواترین نقطه باشد اینها را همه در طی انقلاب یاد گرفتيم آن وقت شما در چه سني اين مسائل را یاد مي‌گيريد؟! در سن نوجواني و پدرهايتان در سن کمال! و پدر بزرگها در سن پيري!! يعني شما دو نسل از پدر بزرگهايتان و يك نسل از پدر و مادرهايتان جلوتر هستيد البته بعضي از شما فرزندان خانواده‌هاي انقلابي هستيد که بيست سال پيش، پدرهايتان يك نوجوانهايي بودند، (يك مقدار از شما بزرگتر) يعني آنها هم نسل انقلاب هستند.

دعوت به عمل

الان ما دوستان زيادي داريم که اينها هم نسل انقلاب مي‌باشند براي اينکه اين انقلاب در سال 41 (مقطع جديدي که داريم) شروع و حالا 19 سال از آن مي‌گذرد و به يك معني از سال 23 به اين طرف فعاليت‌هاي اسلامي بوده است خيلي از افراد پدر بزرگ شما هستند اما آنها هم در نسل انقلاب بوده‌اند.

يعني 37 سال، 38 سال پيش، زمينه‌ها و نقطه‌هاي اين انقلاب بود خود من در آن زمان‌ها يك نوجواني بودم مثل شما در عصر انقلاب اما آن وقت با حالا خيلي فرق دارد حالا سراسر ايران زمين، مدرسه انقلاب است. آن موقع بايد در اين گوشه‌ها جايي را به عنوان مدرسه انقلاب پیدا مي‌کرديم مبارك باد بر شما اين نعمتي که خدا به شما عنايت کرده، قدر اين نعمت را بدانيد، خودتان را بسازيد، حرکت کنید، پرتوان باشيد، پويش باشيد، شب از روز نشناسيد، کار کنید.

شما چقدر از فعاليتهاي همين يك سال اخيرتان را توانستيد نتيجه بگيريد ما يكسال دچار يك مشکل بزرگ بوديم ديروز صبح امام براي اولين بار اين مشکل را با مردم بيان کردند فرمودند که: "يكسال هست که صبر کردم اگر مساله‌اي را براي مردم نگفتم بخاطر رعايت مصلحت انقلاب بود." ولي خوب اين مسائل را ما تمامش را مي‌دانستيم و در جريان بوديم.

اما اين يكساله باز شما با همت خودتان در پرتو ايمان‌تان در پرتو خودساختگي‌تان و خودسازي‌تان بر اين مشکلات پيروز شديد چيزي که براي شما خيلي مهم است بينش شما اندیشه شما استقلال منطقي فطرت‌پذير شما، آگاهي‌هاي دلنشين شما و اخلاق و رفتار شجاعانه اما پاك و پسندیده شما است که بايد طوري باشد که دائماً جوانها و غيرجوانها و نوجوانها و غيرنوجوانها را به راه خودتان دعوت کنید.

عبادت شما، ذکر و یاد خدا در شما، مراقبت شما بر صدق و راستي و شجاعت و صراحت براي خدمت به ديگران، تواضع و فروتنی‌هاي به جا، سرافرازي و همیشه از موضع عزت گفتن و عمل کردن و... بايد در شما چنان رشد کند که هر بار از شما همکلاسي‌هايتان را جذب کنید خانواده‌هايتان را قوم و خویشهايتان را، به راه خدا دعوت کنید آیا شما مي‌دانيد که شعار تبليغاتي شيعه و اسلام چيست؟ يا نه؟ شعار تبليغاتي اسلام به روايت از علي (ع) و به نقل از پيغمبر (ص) اين است که: "کونوا دعاه الي انفسکم بغير السننکم" و در روايت ديگر دارد که: کونوا دعاه الناس بغير السننکم. يعني شما تبليغ بکنيد اما در تبليغات حرام را به راه خودتان بکشيد و در اين دعوت و تبليغ زبانتان بايد بکار بيفتد اگر زبانتان همراه با عمل‌تان براي بيان منطقي يك مطلب بکار بيفتد خود به خود آنها (افراد بي‌خط مدرسه) جذب مي‌شوند پس زبانتان را براي يك تحليل سياسي و اجتماعي منصفانه هوشيارانه بکار اندازيد نمازتان را به وقت بخوانيد با شادابي قرآن را تلاوت کنید، راست باشيد (زيرا راستگو يك عده‌اي را جذب مي‌کند) اگر شجاع باشيد يك عده‌اي را جذب مي‌کنيد خدمت به ديگران بکنيد باز يك عده‌اي را جذب مي‌کنيد.

تا گفتيد مي‌خواهيم برويم براي فلان فعاليت اجتماعي و انجام برخي کارها، زودتر لباس بپوشيد و حرکت کنید و از اين راه نیز جذب خواهيد کرد. آماده بکار و پا به رکاب باشيد تا که راهپيمايي و تظاهرات اسلامي مي‌شود زودتر از همه برويد و سازماندهي کنید تا گفتند مسووليت انتظامات!!

بگویند که ما داوطلبیم. اینها دعوت به عمل است.

صرف اینکه به لیاستان، به خانه‌تان افتخار کنید و لباس کسی را مزمت کنید و به کسی نیش زبان بزنید، اینها جذب نمی‌کند. باید بدانید که این مساله دارد مهتر می‌شود (البته تا حالا هم مهم بوده) برای اینکه مملکت حالا دست خط امام است. ولی مهم اینجاست می‌گویند حالا که خط امام مطرح است بینیم این خط چه هنری دارد؟

این هنر مال کیست؟ مال بنده، مال آقای هاشمی، مال آقای رجایی؟! خیر! مال شما هم هست. ما با شما می‌توانیم کار بکنیم شما باید يك يك تان در کلاس و در هر مدرسه‌ای و محله‌ای پیام انقلاب را با گفتار و رفتار و خدماتتان ببرید. آن وقت است که جلو می‌رویم ما به زودی ان شاء الله می‌خواهیم شوراهای محلی را تشکیل بدهیم البته شوراهای اسلامی. خوب شورا اسلامی کدام است؟ آن شورایی است که انتخاباتش بر طبق موازین اسلامی باشد و انتخاب شوندگانش مسلمانهای متعهد به خط امام باشند ما حرفمان را رك می‌زنیم و تعارف نداریم.

شورای کلاس، مدرسه، محله، مسجد، کارگاه، اداره و همه اینها را درست می‌کنیم. ان شاء الله قانونش هم تصویب و به عمل در می‌آید. شما باید متشکل باشید تشکلی قوی و نیرومند، زیرا دشمن از متشکل شدن شما می‌ترسد و دائم در پی وسوسه است.

ضرورت تشکل

اما حالا تشکل می‌خواهیم چکار؟ همین امت و امام بس است. ولی نه!! خواهر و برادر!! "امام و امت" پایه است و نمی‌شود بگویند خوب حالا که امام و امت پایه است، پس: مدرسه حالا مدیر نمی‌خواهد ناظم و معلم و زنگ و دفتر نمی‌خواهد زیرا امت و امام پایه است ولی بدانید که اداره مملکت تشکیلات می‌خواهد این که اینقدر با حزب جمهوری اسلامی بدند و اینقدر فحش می‌دادند و می‌دهند اینقدر شایعه می‌سازند، اینقدر دروغ می‌گویند و مثل آن آقای که توی مجلس می‌گوید: چرا این ساختمان اجاره‌اش ماهی 24 هزار تومان است و می‌شود سه مدرسه جا داد. و گفته بود که آمفی تئاتر (یعنی هیمنجا که نشسته‌اید) دارد. آیا اینجا آمفی تئاتر است یا يك اتاق يك مقدار بزرگ، ولی با کمال تأسف هم ما این آقا را خودمان نامزد مجلس کردیم نمی‌دانستیم که ایشان با کمال تأسف اینطور بگویند.

من بارها شمرده‌ام و باز می‌شمرم. تمام این انبارها را ما خودمان ساختیم. در اصل این ساختمان وسط بود ساختمان‌های روبرو و اطراف را ما خودمان ساختیم. ولی حالا آن ساختمان قدیمی اینجا را حساب می‌کنیم (و به دیگر جاها کاری نداریم) اینجا 24 اطاق دارد و 24 هزار تومان نیز کرایه. آن وقت آن آقا به مناسبت لایحه بودجه این حرفها را می‌زند. آخر، بودجه به اجاره اینجا چه ارتباطی دارد؟ و می‌گویند آقای نخست وزیر اگر می‌خواهید بودجه‌تان درست باشد اجاره محل حزب جمهوری اسلامی را بالا ببرید!! خوب، اینها با يك تشکیلات اسلامی در خط اصیل اسلام و بازوی امام و امت و نیرویی که بتواند مملکت را اداره کند، مخالفند.

شما که رفتید و از این و آن پرس و جو کردید و با صمیم قلب پرسیدید که آقا این حرفها که منافقین و لیبرالها می‌زنند درست است یا خیر؟ و بعد دیدید که همه آنها دروغ است. اینها درباره همه چیز دروغ گفتند (درباره خود من، همسر من، خانه و ماشین من، آقای هاشمی رفسنجانی، آقای رجایی). ما يك مدرسه رفاه ایجاد کردیم برای اینکه دست دولت نیفتد و این را آمدم بصورت يك شرکت به ثبت رساندیم (شرکت ساختمانی اهداف) که بدست دولت نیفتد و آن موقع اگر بدست دولت می‌افتاد خیلی بد بود و ما هم بعنوان يك شرکت ساختمانی به ثبت رساندیم سهام آن را هم بدست مردم دادیم حالا اینها آمدند در مدارس پخش کردند که اینها سرمایه‌دار هستند و چه و چه هست و آخرش هم گفتند: حزب چماق بدستان است هر چه از دهان‌شان در آمد، گفتند خوب ما هم طبق وظیفه اسلامی‌مان توضیح دادیم. اما تهمت و افترا را صحیح نشمردیم و گفتیم که عنداللزوم توضیح می‌دهیم ولی نمی‌آییم همان کار بدی را که آنها کردند، ما هم بکنیم.

به بچه‌های حزب هم گفتیم شماها باید توضیح بدهید اما حرف نابجا نگویند حالا همه کم‌کم دارند می‌فهمند که قضایا از چه قرار است و همین هم برای شما يك درس آموزنده و سازنده است.

يك وقتي اين بچه‌ها مي‌گفتند كه به ما تلفن مي‌كنند و بد مي‌گويند، توي روزنامه‌ها بد مي‌نويسند، در مدارس اينطور مي‌گويند چكار كنيم؟ به همه‌شان گفتيم: " توضيح منطقي و عمل صالح" بايد به اين دو تا مسلح بشويد با توضيحات روشن منطقي و عمل صالح دشمن شكست مي‌خورد كه ان شاء الله خداوند شما را در اين راه موفق بدارد. قوي، با ايمان، با دل روشن و با اعتقاد و اطمينان به خداوند بيشتر ياد بگيريد و بيشتر ياد گرفته‌ها را به كار بنديد و ذهن و هوش و قلبتان را با معيارهاي الهي بسازيد و مطمئن باشيد كه ما پيروزيم و علتش هم اينكه اگر يك وقتي خداي نكرده به حسب ظاهر شكست بخوريم، شكست‌مان مثل شكست امام حسين (ع)، باز به دنبالش پيروزي و اين شكستي ظاهري است. بر شما باد به اينكه روح خودتان را با خواندن قرآن و دعاها و خواندن نماز با روح و با حضور قلب به خدا، متصل نگهداريد. وقتي آدم به خدا متصل شد، در هر كاري از او نبرو مي‌گيرد اين اتصال معنوي را ميانه خودتان و خدا حفظ كنيد و ان شاء الله خداوند به شما توفيق بدهد كه هميشه در اتصال با او باشيد و اين دعا را همواره بخوانيد كه: خدايا به من يك ايمان قوي ده كه مانند اينكه هميشه تو در قلب من حاضري و قلبم خانه تو باشد. و به من اطميناني ده كه بدانم طبق وظيفه عمل مي‌كنم. و به من يك روح بلندي بده كه وقتي تلاش مي‌كنم و دست آورده‌ايم بدستم مي‌آيد، ديگر حرص بي‌جا نداشته باشم. خداوند همه ما را از اين آفت معنوي (حرص و ولع) مصون بدارد.⁹

والسلام

انقلاب و تشكيلات

ما با ساير گروهها بر سر تقديم بهترين خدمت به ملت مسابقه قرآني مي‌دهيم.

[...] در مورد حزب جمهوري اسلامي، دو سه بار توضيح دادم. ما به اصل تشكّل و نظم و سازماندهي و سازمان‌پذيري معتقد هستيم! بر اين اساس عده‌اي از دوستان كه، سالهاي سال هست با هم سابقه دوستي و آشنائي دارند و همديگر را خوب مي‌شناسند، تصميم گرفتند، هسته يك تشكيلات خالص اسلامي، اجتماعي پرتوان را بوجود آورند. و از همين اول نيت آنها اين بود كه چه در دوران پرستيز انقلاب، و چه در دوران پيروزي انقلاب و پس از پيروزي، نيروهاي مومن عزيز، شكل يافته‌تر به ميدان عمل بيايند. شروع اين كار، مربوط بود به يكسال قبل از پيروزي (اصل فكر مربوط به خيلي وقت پيش بود، اما شروع اين كار اخير و تا پييده مرامنامه و اساسنامه و برنامه‌ريزي براي اينكار، مربوط بود به پيش از يك سال قبل از انقلاب) اين فكر دنبال شد تا زمان پيروزي انقلاب، در آن موقع با دوستان مختلف جلسه داشتيم، به منظور اينكه با شركت موسسيني از قشرهاي مختلف، موجوديت حزب را اعلام كنيم، حال يا به صورت يك حزب مخفي و يا يك حزب علني، و در اين باره هم، مفصل تبادل نظر كرديم. در اين جريان بوديم كه شتاب انقلاب آمد و همه ما را به كار روزانه انقلاب، وا داشت و جذب نمود ديگر چندين ماه، بايد شب و روز آماده مي‌بوديم (در برنامه‌هاي جاري انقلاب) پس از پيروزي دست زديم به اينكار و در اول اسفند 57، يك گروه پنج نفره، موجوديت حزب را اعلان كردند، بدین منظور كه هر كس به آرمان حزب و به موسسين حزب، اعتقاد و ايمان دارد، بسوي حزب بيايد و در اين مجموعه سياسي متشكل شود.

اين مجموعه بوجود آمد، در سطح گسترده‌اي كه ما حتي فرصت كافي براي سازماندهي منسجم آن را تا به امروز پيدا نكرده‌ايم، اما قدمهاي موثري در اين جهت برداشته‌ايم، مخصوصاً در همين يكي دو هفته اخير، مشغول تنظيم مواضع مشخص فكري و سياسي و اقتصادي و اجتماعي حزب هستيم، و اميدوارم فرصت پيدا كنيم و به زودي اين كار را تمام كنيم و آن را به چاپ رسانده و در اختيار همگان بگذاريم. ولي، اينكه گفتيد كه اين حزب، حزب حاكم است، اين مردم هستند كه حاكمند، منتهي همين مردم براساس تجربه‌هايي كه دارند و شناختي كه دارند، معرفي‌هاي حزب، بر ايشان قابل اعتماد است. و گمان نمي‌كنم، مورد اعتماد بودن يك تشكيلات، نقض آن تشكيلات باشد. اگر از خود من سوال كنيد كه آيا حزب جمهوري اسلامي، همه كارهايي كه تاكنون داشته، بي عيب و نقص بوده؟ مي‌گويم خير، در كار حزب جمهوري اسلامي هم، عيب و نقص وجود داشته است! و اگر سوال اين

است که آیا این حزب به منظور سلطه‌طلبی و قدرت‌طلبی بوجود آمده، جواب صریح و صادقانه من این است که خیر، جزو اصول تعلیماتی این حزب (که حتی در جزوه‌ها چاپ شده و در بحث‌ها نیز تکرار گردیده) این است که حزب جمهوری اسلامی، حزبی است بر اساس تأکید بر روی خدمت، نه روی قدرت، حتی قدرتها و سمت‌ها تا وقتی ارزش دارند که در راه خدمت‌ها باشند و الا وبال و وزری¹⁰ هستند که انسان را در دنیا و آخرت، از سعادت دور می‌کنند.

برادران و خواهران! صمیمانه می‌گویم که حتی هر نقد تلخ صریحی را هم که مطرح کنید، خوشحال می‌شویم. عرض کردم ما با کسی تعارف نمی‌کنیم. البته به شرط اینکه واقعا انتقاد کردن‌هایمان، انتقاد مخلصانه باشد، نه عیب‌جویی مغرضانه، قصد نیش زدن و هوچی‌گری در کار نباشد، قصد بیان کردن نقطه نظرها و سازندگی باشد[...]

انقلاب و تشکیلات

[...] مردم ما برای اینکه بتوانند در رابطه با یکدیگر به صورت یک نیروی متشکل وظایف انقلابی خود را انجام بدهند، به سازمانهای سیاسی مومن به انقلاب اسلامی نیاز دارند «حزب جمهوری اسلامی» یکی از این واحدهاست! به کسانی که می‌گویند حزب جمهوری اسلامی انحصارطلب است، بگویید، بنده، اینجا و دهها جای دیگر مثل اینجا با صراحت اعلام کرده‌ام که حزب جمهوری اسلامی تنها یکی از این واحدهاست و هرگز نگفتم واحد منحصر بفرد است! ایجاد حزب جمهوری برای این منظور بود که نیروهای مسلمان انقلابی را که هنوز در یک تشکیلات اجتماعی سیاسی سازماندهی نشده بودند در یک چنین حزب بزرگ سرتاسری آنها را سازماندهی کنیم. حال از شما می‌پرسم آیا بنیانگذاران حزب قدرت‌طلبانی بودند که می‌خواستند نیروهای انقلابی را در خدمت به قدرت رسیدن خودشان استخدام کنند؟ از این سмпاشی‌ها علیه حزب شده است و در اینجا باز با صراحت اعلام می‌کنم هرگز چنین هسته فکری در زمان تشکیل حزب جمهوری اسلامی در مغز بنیانگذاران آن نبوده و امروز هم نیست. «حزب جمهوری اسلامی» برای این بوجود آمده که نیروهای مجاهد فی سبیل الله که عاشق خدمت به خلق، در راه رضای خالق هستند خودشان را سازمان بدهند و نقش خلاق‌تر و فعال‌تر برای تداوم انقلاب اسلامی ایران ایفا کنند.

این حزب نه انحصارطلب، نه قدرت‌طلب، نه خودمحور و نه نفی‌کننده سایر احزاب و گروههای سیاسی اسلامی است. ما هر گروه سیاسی اسلامی دیگر را که مومن و درستکار و صدیق، و به انقلاب و رهبری انقلاب وفادار باشد، گروه برادر می‌نامیم و می‌دانیم و با این گروهها مسابقه می‌گذاریم! مسابقه بر سر چه؟ آیا مسابقه بر سر قدرت؟! حاشا! مسابقه بر سر تقدیم بهترین خدمت به ملت. این مسابقه، مسابقه قرآنی است که می‌فرماید:

فاستبقوا الخیرات الی الله مرجعکم جمیعاً¹¹

در راه نیکی‌ها و خیرات با یکدیگر مسابقه بگذارید. این رقابت مثبت سازنده است، نه رقابت تخریبی [...]
من در اینجا به عنوان یک فرد در این سازمان اسلامی سیاسی اعلام می‌کنم ما با همه گروههای مسلمان و مومن، برادری هستیم که می‌خواهیم در خط اصیل اسلامی و در مسابقه مثبت خدمت به خلق برای رضای خالق، گام بگذاریم. و از همه برادران و خواهران و علاقه‌مندان به اسلام و انقلاب اسلامی، و این حزب اسلامی، خواهش می‌کنم سعی کنید در آینده حتی در برابر برخورد نامطلوب دیگران، خودداری شهادت‌آمیزی از خود نشان دهید و همان طور که امام فرمود: اگر دیدید عکس مرا هم پاره می‌کنند صبور باشید. و امام‌گونه در برابر این اعمال بچگانه علیه این حزب مورد علاقه اکثریت مردم، توانایی و بردباری خود را حفظ کنید¹² [...]

«مفهوم حزب» از دیدگاه شهید مظلوم آیت الله دکتر بهشتی

«حزب» در نظام اسلامی یعنی گرد هم آمدن و سازمان یافتن و سازمان پذیرفتن افرادی که همه همدیگر را می‌شناسند و به همدیگر اعتقاد دارند،

به اسلام معتقد هستند، بعنوان يك دين و يك نظام اجتماعي و اقتصادي و معنوي، و مي‌خواهند بر پایه حاکمیت اسلام جامعه اسلامي را اداره کنند یا در اداره آن جامعه اسلامي سهیم گردند. این معني حزب است.

اگر گروه‌هاي ديگري هم هستند که داعي همین ايمان و علاقه هستند ما آنها را گروه برادر مي‌شناسيم و آماده همکاري هستيم. در هر جايي براي هر کاري نگاه مي‌کنيم و بهترين فرد، با ايمان‌ترين، صالح‌ترين و کاردان‌ترين فرد را براي اينکار انتخاب مي‌کنيم، مي‌خواهد از گروه ما باشد مي‌خواهد از گروه ديگري باشد، مي‌خواهد اصلاً منفرد باشد، از هیچکدام نباشد و این مي‌شود حزب اللهی و این مي‌شود يك نوع تشکل و سازمان نیروهاي مومن و معتقد به خداوند و تلاشگر در راه خداوند.

انگیزه ما بر تاسيس يك حزب اسلامي احساس ضرورت اجتماعي و تاريخي است که داشتيم، بي‌شک در اداره جمهوري اسلامي و جامعه نوپاي اسلامي‌مان به نیروهاي مومن، آگاه، همفکر و هماهنگ نیاز بوده و هست. نیروهايي که همدیگر را بشناسند. ايمان و تقوي و قابلیت اعتماد آنها براي همدیگر روشن باشد، میزان مهارت و کارآيي و تخصص‌شان در رشته‌ها و قابلیت اعتمادشان از نظر تخصص و مهارت مشخص باشد و اینها جو اسلامي و انقلابي و انقلاب اسلامي ما را درک کنند و درک کرده باشند و از انقلاب شناخت خوبي داشته باشند.

همین طور جو دنيا را خوب بشناسند، ضرورتها و نیازهاي زمان و جامعه ما را در این مقطع حساس تاريخي خوب بشناسند و چنین نیروهايي که تا این حد از آگاهی و شناخت و ايمان و تقوي و مهارت و تخصص و کارداني و شناخت اعتمادآور به یکدیگر بتوانند مسوولیت‌هاي سنگين امروز را برعهده بگیرند در يك تشکیلات اجتماعي است که گرد هم می‌آیند و راه را براي پذیرش این مسوولیت سنگين هموار می‌کنند. بنابراین لازم بود که حزبي بوجود بیاید و تشکیلاتي درست بشود با آرمان‌هاي مشخص و درجه بالايي از قابلیت اعتماد تا این نیروها پراکنده نشوند، جدا نباشند و در يك مجموعه هماهنگ به صورت يك توان بزرگ براي خدمت به انقلاب اسلامي در بیایند، استعدادهاي ساخته شده شناخته نشده، شناخته می‌شود و استعدادهايي که هنوز ساخته نشده‌اند مجالي و میداني براي ساخته شدن بدست می‌آورند، اینها انگیزه‌هاي اصلي تشکيل حزب جمهوري اسلامي است.¹³

حزب و تشکیلات

- * انگیزه ما بر تاسيس يك حزب اسلامي احساس ضرورت اجتماعي و تاريخي است که داشتيم.
- * به نیروهاي خود بر محور اسلام، وحدت و سامان و سازمان بخشید.
- * آنچه حزب جمهوري اسلامي روي آن پافشاري دارد در رعایت معیارهاست.
- * حزب جمهوري اسلامي بخاطر اجرا و تحقق و عینیت بخشیدن به معیارها و ارزشهاي اسلام بوجود آمده است.
- * ما همچنان بر داشتن يك تشکل پافشاري داریم.
- * بر همه ماست که دائماً مراقبت کنیم این تشکل خودخواه نباشد، همیشه خداخواه باشد.
- * کار تشکیلاتي ما حالت عبادت دارد.
- * کار در تشکیلات حزب باید آهنگ عبادت داشته باشد، این در حزب جمهوري اسلامي در متن هدف‌گیری ماست.
- * تشکیلات نباید بت باشد و نباید لغو باشد و نباید لهو باشد باید به درد مردم بخورد، باید کمک کند به جمهوري اسلامي... این سه شرطي است که ما براي هر تشکیلاتي شرط اصلي می‌دانيم.
- * يکي از واجبات تشکیلات این است که دائماً مراقب باشد تا میکروها از بیرون وارد پیکره و عمق تشکیلات نشوند.
- * هر قدر جو تشکیلات پاک‌تر باشد آسیب ناپذیرتر است.
- * مهم این است که در داخل يك تشکیلات آن آزادیهاي انسان ساز حفظ شود.
- * کار يك تشکیلات، ساختن ناقص‌هاست نه حذف ناقص‌ها.

- * مشي سياسي حزب، اسلام و هدف از آن ايجاد جامعه‌اي است که در آن ارتباط میان انسانها، آزادانه و به دور از هر گونه دشمني با تکبر و يا استثمار باشد.
- * من و همفکرانم با کسانی که بخواهند سياست نه شرقي و نه غربي را خدشه‌دار کنند مبارزه مي‌کنيم.
- * روزي که گردونه هميشه پوينده مبارزه ملت، در خط يك تشکيلات و سازماندهي درست و استوار بيفتد ديگر اطمینان بايد داشت که جرثومه‌هاي ضدانقلاب نمي‌توانند به آن نزديک شوند و آن را تهديد کنند.
- * تنها مرزي که براي آزادي احزاب و اجتماعات و نشريات و آزادي بيان و آزادي قلم وجود دارد اين است که بايد به اصول اسلامي ضربه نزنند.
- * اينها (مخالفين و...) ناراحتند که يك تشکيلات اسلامي باشد در خط اصیل اسلام، بازوي امام و بازوي امت، و اين توانا باشد و بتواند مملکت را اداره کند.
- * بايد متشکل باشيد، تشکلي قوي و نيرومند، زيرا دشمن از متشکل شدن شما مي‌ترسد.
- * تا قبل از اینکه ما حزب را تاسيس کنيم، تحزب ارزش عالي بود ولي به محض اینکه حزب جمهوري اسلامي تشکيل شد حالا ديگر اصلا تحزب هم ضدارزش شده، يك بام و دو هوا!! تشکل شده ضدارزش! مقالاتي نوشته مي‌شود عليه اصل تحزب، سخنرانيهائي مي‌شود بر ضد اصل تشکل: آقا وحدت امام و امت را بر هم مي‌زنند! وحدت امت را برهم مي‌زنند. تفرقه ايجاد مي‌کند! آن وقت بي‌تشکلي ولادت بوجود مي‌آورد؟ پس از اين همه سالها از زبان علي (ع) مي‌گفتيد «و نظم امرکم و نظم امرکم» چي بود؟ کهنه شد اينها؟
- * مبدا حرکت شما مردم عزيز با ايمان دچار کجروي بشود بهمين دليل بود که ما در حزب جمهوري اسلامي تلاش مي‌کرديم تا هر چه زودتر ارزشها را بصورت تفصيلي‌تر در يك مجموعه گردآوري و منتشر کنيم... تا همه مردم رابطه‌شان را با اين تشکيلات اسلامي بر اساس اين ارزشها تنظيم کنند.
- * حزب بخاطر اجرا و تحقق و عينيت بخشيدن به آن معيارها اصلا بوجود آمد، و اگر کسانی هستند در داخل اين تشکيلات که هنوز اين خلق اسلامي را ندارند، بايد اينها را ساخت و اگر قابل ساختن نيستند بايد بيرون کرد.
- * هر کار دسته جمعي انجام مي‌دهيد با يك انضباط تشکيلاتي همراه باشد.
- * اولين تشکل اسلامي که ماها در آن حضور داشتيم هياتهاي موتلفه اسلامي بود که فعالترين گروه سياسي، نظامي مخفي سالهاي 41 به بعد بود، در همان موقع همين مردم، جوانهاي ما از قشرهاي مختلف درک مي‌کردند که بايد تشکل داشت والا حوادث پيش مي‌آيد بر ما مسلط مي‌شود. حوادث پيش مي‌آيد بر ما مسلط مي‌شود اگر آدم بي‌برنامه باشد، اگر نيروها بدون تشکل باشند اگر برنامه‌ريزي نباشد و رهبري مناسب نباشد.
- * ما بايد نيروهايمان متشکل باشد، ما بايد سازماندهي داشته باشيم.
- * با سازماندهي است که مي‌شود بهتر رهبري کرد، ما يك مقام رهبري در کل جامعه داريم همان رهبري ولايت فقيه است که در قانون اساسي هم آمده است ولي وقتي رهبري ولايت فقيه تصميم مي‌گيرد آيا با بي‌سازماني بهتر مي‌شود آن تصميمات را اجرا کرد يا با داشتن سازمان و تشکل؟
- * بايد مقابله کرد با حوادث و براي اينکار نيازمنديم به متشکل بودن.
- * تشکل انحصارطلب و انحصارانديش از جانب هر فرد و هر گروه و هر جمع باشد شيطاني از آب در مي‌آيد.
- * تشکل الهي آن است که نيروهاي مومن به خدا، نيروهاي مومن به ارزشهاي عالي و الهي و انساني بگويند ما متشکل مي‌شويم تا در حد توانمان از اين ارزشها دفاع کنيم و صاحبان اين ارزشها در نظر ما محترم و معتبرند هر جا که باشند خواه داخل تشکيلات ما باشند خواه خارج تشکيلات ما اين مي‌شود، تشکل الهي.
- * بي‌حرکتی مرگ است، حرکت بايد داشت اما از مجراي صحيح آن، ما براي همين منظور دست به تشکيل يك حزب اسلامي زديم.
- * حزب براي انقلاب است نه انقلاب براي حزب.
- * حزب جمهوري اسلامي در اين مدت هر کاري کرده عيان است چيز پنهاني ندارد خوب يا بد، هيچ وقت هم اگر خدمتي کرده بابت خدمتش طلبکار پست و مقام نبايد باشد.¹⁴

رهنمودهای تشکیلاتی

* شما می‌دانید یک وقتی تشکیلات سازمان مجاهدین خلق به عنوان یک آرزو بود که ای کاش حزب جمهوری اسلامی از نظر تشکیلاتی مثل سازمان مجاهدین خلق می‌بود. زیرا آن تشکیلات به تعبیر خودشان هم تشکیلات آهنین بود. آنها در نامه‌ای به امام یا رییس جمهوری نوشته بودند، سخت مغرور شده بودند که ما با تشکیلات آهنین خود چنین و چنان خواهیم کرد! البته این نوع تشکیلات بوجود آوردنش هنر می‌خواهد ولی این آرمان شماها نیست که در داخل یک تشکیلات آن آزادی‌های انسان‌ساز حفظ شود. در تشکیلاتی که (طبق نامه آن خانم یا آن دختر خانم در مجله راه زینب) می‌نویسد که برایم شوهر تشکیلاتی انتخاب کردند و هر چند گفتم نمی‌خواهم، گفتند نمی‌شود دست تشکیلات است. خوب این یک تشکیلات آهنین می‌شود، ولی آرزوی ما اینچنین نیست. ما وقتی می‌خواستیم حزب جمهوری اسلامی را بوجود بیاوریم هرگز در پی ایجاد یک چنین تشکیلاتی نبودیم. ما موسسین هرگز نمی‌خواستیم یک چنین چیزی بوجود بیاوریم، مثل یک سربازخانه و یک اردوی کار اجباری. ما از اول گفته بودیم که (امتیاز بزرگ اسلام این است که می‌خواهد با حفظ آزادی‌های انسان، انسانها را بسازد). تشکیلات ما آهنین نیست، حالا هم می‌گوییم آهنین نخواهد بود. (تشکیلاتی است که انسانها در درونش احساس حرکتی خودساز و آزاد می‌کنند. تشکیلاتی است که می‌کوشد تا انسانها را همسو کند، نه اینکه انسان را قالبی بسازد. کی ما اصلا در اسلام خواسته‌ایم انسان قالبی بسازیم تا در پی آن باشیم که تشکیلاتمان هم قالبهای آهن باشد. یکی از چیزهایی که در مواضع گفتیم این است که: ما حزب جمهوری اسلامی را تنها تشکیلات اسلامی نمی‌دانیم. تشکیلات اسلامی دیگر هم هست. آنها هم پاک است. آنها هم خوب است و رابطه ما هم با آنها رابطه رقابت نیست بلکه رابطه برادری و همکاری سازنده است.

* یک نفر تا بیرون یک تشکیلات هست، ضعف شخصی‌اش ضعف شخصی است. وقتی وارد تشکیلات می‌شود، ضعف شخصی‌اش ضعف شخصی همراه با یک نوع امکان سرایت و سوار بر یک مرکب تیزیا و تندرو است. در تشکیلات گسترش ضعف‌ها ممکن است خطرناک‌تر و شدیدتر باشد و به همین دلیل مراقبت از این ضعف‌های شخصی افراد لازم است. سوظن‌ها، بدگمانی‌ها، بد تفسیر کردن‌ها، اینها همه از چنین ضعف‌هایی هستند و باید خیلی مراقبت کنیم. برای اینکه این ضعف‌ها تا ضعف شخصی است یک گناه است ولی وقتی در یک جمع بود گناه مضاعف است و عقابش هم مضاعف است، هم عقاب این دنیا مضاعف است و هم عقاب آن دنیایش مضاعف است. چرا که نتیجه زحمات فراوان انسانهای تلاشگر در راه خدا با یک همچنین ضعف‌هایی به هدر می‌رود و خبط و ضایع می‌شود و تلاش‌های انسان را در آن دنیا هم به هدر می‌دهد.

* برای ما (عضو) مقام سنگینی است. برای اینست که یک وقتی از خودش سوال می‌کنند و یک وقت از خودش و هزاران نفر دیگر سوال می‌کنند که چرا اینها را به تباهی کشیدی؟

* ما همچنان بر ضرورت تشکیلات پافشاری داریم و این دشواری‌هایی هم که بر سر راه داشتن تشکیلات سازنده پیش‌برنده داشته‌ایم تحمل کرده و می‌کنیم و معتقدیم که این دشواری‌ها همچنان وجود دارد و هست و قابل اجتناب نیست. ایجاد چنین تشکیلاتی از نعمت‌های بزرگی است که چنان ساده و آسان هم بدست ما نخواهد داد.

* خیلی دشوار است و خیلی زحمت دارد و خیلی افت دارد و خیز خواهد داشت. ما معتقدیم که اگر مخلص باشیم و آگاه و مفید، آگاهانه و مخلصانه، ما خیال می‌کنیم که داشتن یک تشکیلات اسلامی کار آسانی است و کاری ندارد که ده آدم دور هم جمع شوند و یک اسم و اساسنامه، یک نمودار تشکیلاتی و تمام شد! خیر این جور نیست! اگر به تجربه‌های شخصی‌تان بنگرید می‌بینید که مشکل بزرگ داشتن یک تشکیلات در درون یک ماست. زیرا که ما به این آسانی‌ها آدم نمی‌شویم و به این آسانی‌ها انسان نمی‌شویم. بر سر راه انسان شدنمان صدها عقبه وجود دارد که «فلافتحم العقبه» صدها تنگه وجود دارد تا وقتی که بخواهیم از این تنگه‌ها عبور کنیم، اولاً باید تنگه‌ها را بشناسیم. ثانیاً باید تواناییش را داشته باشیم و تازه از یک تنگه عبور می‌کنیم خیال می‌کنیم تمام شد. می‌بینیم عجب! تنگه‌های سخت‌تر بر سر راهمان است و این تا لحظه مرگ انسان هست، و حال آنکه تا لحظه مرگ انسان است پس همه تشکیلات آفت دارد و دشواری دارد و عقبه دارد.

* این تشکیلات نباید «بت» باشد و نباید «لغو» باشد و نباید «لهو» باشد.

* تشکل باید سازنده ما، آسان کننده خودسازي براي ما و کمکي به سیر الي الله براي شرکت‌کنندگان در این تشکل باشد. ما همچنان برداشتن يك تشکل پافشاري داریم. اما شرط آن تشکل این است که باید پاسدار ارزشها باشد نه پاسدار خود، نگاهیان ارزشها باشد نه نگاهیان خود. هر وقت این تشکل بجای آنکه نگاهیان ارزشها باشد و تلاشگر در راه ارزشها باشد، بجای آنکه خداپرست و حق‌پرست و حق‌خواه کمال دوست و کمال خواه باشد، خودخواه شد، آن يك «طاغوت» می‌شود.

* باید دفاتر حزب مراقبت کنند که آنجا معبد باشد، محل عبادت باشد و محل عبادت بماند.
* اگر انسانهایی هستند که همه‌شان می‌خواهند در آن راستاهای کلی که در مواضع بیان شده حرکت کنند اما در عمل بعضی‌ها نمی‌کشند و نقص دارند، آسان‌ترین کار حذف ناقصها است؟ نه. در حالتی که کار يك تشکیلات ساختن ناقص‌هاست نه حذف ناقص‌ها. این تشکیلات تشکیلاتی است که باید آنقدر قوی و سازنده باشد تا این ناقص‌ها را بسازد و این ساختن زمان می‌برد و در این زمانی که لازم دارد باید با نقص‌شان بسازیم و الا اگر زود ناراحت بشویم که آقا این چه حزبی است، کی چنین کرد و فلانی چنان کرد و بد گفت و غیبت کرد و تهمت زد و... البته باید رسیدگی کرد و فوراً هم به آن رسید، آن هم چه جور رسیدگی‌ای؟ رسیدگی سازنده‌ای که این عیب را در خودشان برطرف کنند.

* «تشکیلات ما» آهنین نیست، حالا هم می‌گوییم، آهنین هم نخواهد بود. (تشکیلاتی است که انسانها در رونش احساس حرکتی خودساز آزاد می‌کنند) تشکیلاتی است که می‌کوشد تا انسانها را همسو کند، نه اینکه انسان را قالبی بسازد. کی ما اصلاً در اسلام می‌خواستیم انسان قالبی بسازیم تا در پی آن باشیم که تشکیلاتمان هم قالب‌های آهن باشد!؟

* حزب تا وقتی برای ما ارزش دارد که در خدمت انقلاب اسلامی و بقا و دوام و شکوفایی جمهوری اسلامی ایران باشد. ما بدان دلیل به حزب جمهوری اسلامی علاقه‌مندیم که او را يك سازمان موثر در دوام انقلاب اسلامی، در تداوم این انقلاب و در پیشرفت جمهوری اسلامی می‌دانیم.
* گروه‌گرایی به هیچ عنوان نباید باشد، بلکه ارزشها و ضوابط و لیاقتها باید توجه قرار گیرد و در تعیین و انتصابات، بی‌غرضانه ارزشها مورد نظر قرار گیرد و حالا فرد مورد نظر عضو این تشکیلات باشد یا نباشد. بنابراین تشکیلات اگر از این اصل منحرف شود مخالفت خودم را با آن اعلام می‌کنم.
* حزب جمهوری اسلامی مثل همه موظف است که برای پیشبرد انقلاب اسلامی ایران کار بکند و از حضور در صحنه ساختن جامعه اسلامی ایران به هیچ عنوانی شانه خالی نکند.

* آنچه حزب جمهوری اسلامی روی آن پافشاري دارد در رعایت معیارهاست.
* حزب جمهوری اسلامی بخاطر اجرا و تحقق و عینیت بخشیدن به معیارها و ارزشهای اسلام بوجود آمده است.
* کار در تشکیلات حزب باید آهنگ عبادت داشته باشد، این در حزب جمهوری اسلامی در متن هدف‌گیری ماست.
* مشی سیاسی حزب (جمهوری اسلامی) اسلام است و هدف از آن ایجاد جامعه‌ای است که در آن ارتباط میان انسانها آزادانه و به دور از هر گونه دشمنی یا تکبر و یا استثمار باشد.

* بی‌حرکتی مرگ است، حرکت باید داشت، اما از مجرای صحیح آن، ما برای همین منظور دست به تشکیل يك حزب اسلامی زدیم.
* حزب برای انقلاب است، نه انقلاب برای حزب.
* حزب جمهوری اسلامی حزب منصب‌یابی نیست، کسانی که چنین فکر می‌کنند که برای دستیابی به منصب‌ها و مقام‌ها می‌توانند از ورودشان بدین حزب استفاده کنند آنها سخت در اشتباه هستند.

* حزب جمهوری اسلامی می‌خواهد مجمعی و مجموعه‌ای باشد از مسلمانان انقلابی که عشق خدمت به مردم دارند در راه رضای خدا. خدمت به خلق در راه رضای خالق شعار حزب است. حزب کسانی نیستند که بخواهند به قدرت برسند و تشنه قدرت باشند. ما مکرراً این را در بحث‌های حزبی اعلام کرده‌ایم که اینجا جای قدرت‌طلبان نیست، اینجا جای کسانی است که می‌خواهند خدمت بکنند و هر نوع قدرت داشتن را بعنوان وسیله‌ای برای خدمت بیشتر بکار برند. پس کسانی که عاشق خدمتند به حزب روی بیاورند نه کسانی که تشنه قدرتند.¹⁵

- 1- اولئك حزب الله الا ان حزب الله هم المفلحون " 22 مجادله " آنها حزب الله مي‌باشند. آگاه باشید که فقط حزب الله رستگارند.
- 2- فان حزب الله هم الغالبون " 62مائده" پس البته منحصرًا حزب الله پیروزند.
- 3- مردم را نه با زبان (بلکه با رفتار و کردارتان) به حقایق اسلام دعوت کنید.
- 4- منبع: تشکیلات، امامت، روحانیت، (نشریه شماره 4) دفتر قم، چاپ اول خرداد 1363- این سخنان در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی ایراد شده است.
- 5- بقره، آیه 286 خدا هیچ کس را تکلیف نکند مگر به قدرت توانایی او.
- 6- منبع: تشکیلات، امامت، روحانیت (نشریه شماره 4)، دفتر قم - چاپ اول خرداد 1363. این بیانات در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی ایراد گردیده است.
- 7- منبع: روزنامه جمهوری اسلامی، چهارشنبه 1360/04/17 صفحه 5 شماره 605. این سخنان در تاریخ 1359/12/10 در مسجد جامع نارمک ایراد شده است.
- 8- منبع: شهید مظلوم آیت الله دکتر بهشتی عملکرد یکساله حزب جمهوری اسلامی (گفتار شماره 13). چاپ اول 1359/02/15
- 9- منبع: نقش تشکیلات در پیشبرد انقلاب اسلامی ایران - ستاد برگزاری مراسم هفتم تیر - چاپ اول: تیرماه 1361- این سخنان در تاریخ 11/29/1360 ایراد شده است.
- 10- بار سنگین - بار گناه.
- 11- سوره المائده - آیه 48
- 12- منبع: ویژگیهای انقلاب اسلامی. ستاد برگزاری مراسم هفتم تیر - چاپ اول: 1363
- 13- منبع: روزنامه جمهوری اسلامی شنبه 1363/11/29 صفحه 4 ویژه نامه شماره 137
- 14- منبع: روزنامه جمهوری اسلامی 1360/11/29 شماره 789 صفحه 16
- 15- منبع: روزنامه جمهوری اسلامی 1363/11/29 شماره: 1662